

عجالتاً این مرض بنده را قبول فرمائید که گمرک نباتی نشود و حشش این باشد که پول بگیرد و مال هر کس است آنوقت عبور بدهد.

**لواءالدوله** - عرض کنم این اشیاء که وارد میشود محتاج الیه همانست که در گمرک صرفه داشته باشد و ما بیبین اینجا ضرر دارد و اینکار خانه است و کارخانه آبادی منکک است و چندین مرتبه در جلسات خود آقای حجاج و کبیل رعایا تصدیق کردند که باید در این چنین کار هاهمراهی بشود حالا دیگر نمایانم چه شده است که برخلاف رای سابقشان اظهار میکنند اینرا هم کار نندارم حالا این یک شرکتی است مال ایرانیها و واز یک نفر است که آقای ارباب کبیسور که با آنها کار نندارم و مجاز گوئی نمیکنم در حقیقت روی ما ایرانیها را سفید کرده است ما این شرکت را تشویق میکنیم و این بیچاره بچه حال خودش بیاید اینجا و چه بدهد ضرر خودش را چیران کند با آن خبرهاییکه بعدها در پیش دارد که بنده بواسطه بعضی مطالب پلنتیکی نمی توانم اینها عرض بکنم خوب است آقایان یک اندازه توجه داشته باشند و تشویق بکنند تجار داخله را باین واسطه تشویق و مساعدت در پوست و سبب کارخانه در این منکک دایر بشود.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

**آقای میرزا یانسی** - بنده اصلاح عبارتی دارم اینجا نوشته شده است که امتیاز مسئله امتیاز بکسیون رفته است شاید این بگذرد و منافات دارد **افتخار الواعظین** - بنده مکرر در مکرر عرض کردم که این امتیاز است نه اجازه و آن ماده هم که رفته است بکسیون شرکت غیر از امتیاز باشد قبول نمی کند.

**رئیس** - چون این مسئله قابل توجه شده است حالا بدلا حظه اینکه کمیانی قبول میکنند یا نمیکنند زیر اینستوان رای گرفت بر هم بگذرد بکسیون تا تکلیف این مسئله معین شود ماده ۹ قرائت میشود (ماده ۹ ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - دولت علیه در هر مورد کمال مساعدت را در ترکیه امور راجعه بشرکت خواهد نمود.

**دکتر علیخان** - مخالفت بنده از این نظر است که بنده درست معنی این ماده را نمی فهمم بجهت اینکه دولت یک وظایفی دارد که همیشه بآن وظایف عمل خواهد کرد در این صورت مساعدت یعنی چه اگر مقصود اینستکه بعضی تغذیفات دولت بشرکت خواهد داد گمانم اینست که دولت غیر از این مساعدتها هائیکه اینجا قید شده است نتواند بکند و گمان نمیکنم مجاز باشد مساعدت دیگری بکند اگر شرکت هم تقاضا کند تعقیفی را گمان نمیکنم دولت بتواند بشخصه تعقیفی بدهد پس بنده موضوع این ماده را درست ملتفت نشدم و بنده تصور مساعدت دیگری را نمی توانم بکنم و گمان میکنم این ماده موضوع نداشته باشد.

**افتخار الواعظین** - علت و جهت گذاردن این ماده را عرض کنم که آقای دکتر بدانند مراد از این مساعدت چیست مراد از این مساعدت نه این است که دولت تعقیف یا مساعدت دیگری زیاده از

آنچه در این موارد معین شده است بکنند مراد از این مساعدتیکه یک مساعدت فور العاده زائد بر اینها نیست خواهند فرمود سایر مساعدتها وظیفه دولت است که نسبت بماده تجار و کمیانیها و ملت در حفظ حقوق آنها بکنند و این مساعدت وظیفه دولت است پس اینرا چرا اینجا گذاشته اند عرض میکنم که جهت گذاشتن این ماده این است که چون اعضاء این شرکت خودشان را هم باین شرکت معرفی کرده اند و حاضر شده اند که این کارخانه را دایر بکنند بعد اسهامی چاپ خواهند کرد و از برای شرکت آن وقت این کارخانه و سیم نقاله را اعلان شرکت خواهند داد و بواسطه اینکه بعضی اقدامات در بعضی شرکتهای سابقه دیده شده است و یک اندازه اسباب عدم اطمینان خاطر مردم فراهم شده است این ماده میخواهد اشماع بکنند که دولت در این شرکت کمال مساعدت را خواهد کرد موافق یک ماده قانون برای اینکه باین ماده بتوانند جلب قلوب سایرین را بکنند که وقتی اسهامش حاضر شد مردم بیاندیشه باطمینان بخرند و پول خودشان را در این شرکت بگذارند و مطمئن باشند از اینکه دولت کمال مساعدت را موافق یک ماده قانونی با حقوق این شرکت خواهد کرد.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد حالا رای میگیریم بماده نهم آقایانیکه ماده نهم را تصویب مینمایند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد ماده دهم خوانده می شود.

ماده ۱۰ - در تقاطیکه پایهای سیم نقاله در اراضی بازره دولتی واقع میشود برای نصب پایهای سیم مزبور باندازه یک دایره که قطر آن هشت ذرع میباشد دولت بشرکت واکگذار مینماید و در اراضی دایره دولتی و شخصی شرکت قیمت عادلانه معلی را خواهد پرداخت.

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در یک فقره که در این ماده نوشته شده است مخالفم و آن این است که مینویسد شرکت در اموال دولتی و شخصی قیمت عادلانه را میردازد این معنی این است مجلس شورای ملی باید اجازه بدهد که شرکت در اموال شخصی تصرف بکند و قیمت عادلانه را بصاحبش بدهد خواه مالک راضی باشد خواه راضی نباشد بنده این را صحیح نمیدانم و نباید در املاک شخصی ترازی باشد ما میتوانیم در املاک دولتی اجازه بدهیم که بقدر احتیاج شرکت دولت بدهد و شرکت تصرف بکند آنهم املاک بازر دولت را مانع میتوانیم اجازه بدهیم که شرکت بدون اجازه مالک در ملک او تصرف بکند بعد قیمتش را بدهد باینکه نوشته شود در اراضی شخصی مرضی الطرفین باشد.

**افتخار الواعظین** - مقصود کبسیون هم همین بوده است که در اراضی بازره دولتی که دولت مجاناً باو واگذار مینماید و در اراضی دولت قیمت عادلانه را از شرکت اخذ خواهد نمود و در اراضی شخصی البته باعترض مالک بایس از تصویب رضایت مالک قیمت عادلانه را میدهند حالا اگر لازم است اینجهت زیاد شود که با ترازی طرفین قیمت عادلانه را می بردازد.

**آقای محمد روحی** - عرض بنده راجع

بنهاند پس از انتضاه مدت اجازه ملک دولت است نه اینکه ملک اوست و در اراضی دائره دولتی هم همین عقیده را دارم که در اراضی دائره دولت مراعات حال کمیانی را بکنند و بکمیانی بفروشد ولی مشروط باینکه پس از انتضاه مدت اجازه کمیانی بدولت واگذار کنند.

**افتخار الواعظین** - مقصود آقای هشتودی که در ماده سیزده هست و مینویسد بعد از انتضاه مدت این امتیاز خط سیم مزبور بقرنطه که کشیده باشد با تمام متعلقات آن مجاناً به دولت هائیه واگذار میشود.

**رئیس** - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای هشتودی آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد آقای آقا محمد در پیشنهاد خودتان توضیحی دارید بیدیدید؟

**آقا محمد** - پیشنهادی که بنده کردم یک قدری تطویل را کم کردم در ماده ها و مطلب هم همان است منتهی حکم انبار و محل حملجات را که در اراضی شخصی چه قسم باشد بنده معین کرده ام و اینکه آقای مغیر بیان کردند و شرکت مرکز در اراضی دائره نمیسازد در این مقام حکمی در دست او نیست میشود که اقتضای بکند در املاک دائره بسازد و آن بسته است باقتضای کارش بجهت اینکه ممکن است محتاج شود و جائیکه عبارت است بقدر و محل پایه و انبار بسازد و هیچ مخالفتی هم در انتجهات دیگری که در سایر آن مواد است ندارد اینهم که میفرمائید اجزاء شرکت گفته اند که نمی سازند این را بنده عرض میکنم خود اعضاء شرکت هم نمیدانند که محتاج میشوند و مسازند تاخیر و این ماده هم باینطور خالی از مغالط با قوانین شرعیه نیست.

**رئیس** - آقای مغیر قبول کردند که باضافه رضای مالک نوشته شود شما حالا هم در پیشنهاد خودتان باقی هستید یا مسترد مینمایید.

**آقای محمد** - رای گرفته شود.

**رئیس** - مجدداً پیشنهاد آقای آقا محمد خوانده میشود (پیشنهاد آقای محمد قرائت شد)

**رئیس** - رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد اصلاح حاج آقا قرائت میشود (مجدداً اصلاح حاج آقا خوانده شد)

**حاج آقا** - مطلب همانست و آ - عبارت واضحتر است.

**رئیس** - اصلاح آقای مدرس خوانده میشود (بببارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که آخر ماده ده چنین نوشته شود در اراضی دائره دولتی شرکت قیمت عادلانه خواهد پرداخت و در اراضی شخصی ترازی قیمت را خواهد پرداخت.

**افتخار الواعظین** - صحیح است بنده قبول کردم که استرضای مالک نوشته شد.

**رئیس** - پس رای میگیریم بماده دهم با آن لفظی که آقای مغیر قبول کردند حالا رای میگیریم بماده دهم موافق اصلاحات پیشنهادی آقایان مدرس

و حاج آقا آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده یازدهم (بببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - هر نقطه از نقاط که خط سیم نقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آن محل انبار بنا جای عمده جات بنا نماید در صورتیکه در اراضی بازره دولت واقع شود شرکت بدون ادای هیچ وجهی باتمین وزارت فواید عامه مقدار اراضی لازمه را مجاز است تصرف نماید

**حاج آقا** - بنده فقط یک جمله در آخر ماده لازم میدانم العاقب شود که حکم اراضی دائره محکم اراضی است که در ماده قبل معین شده است.

**معین الرعایا** - عرض کنم بنده کلیه خبلی افسوس میخورم که بعضی مخالفت یعنی آقایان در این مورد میکنند و یک معالی هم آقای لواءالدوله گفتند که یکی از شرکاء ارباب کبیسور است عرض میکنم این شخصی نیست ارباب و غیر ارباب مساوی است یک شرکت سهامی است که عموم ملت میتواند در آن شرکت نماید و آن که آقای حاج آقا گفتند از این ماده بدست میآید و ابداً مینماید ندارد و منتهی در اراضی دائره شخصی میتواند با ترازی طرفین در آن ملک بنائی کنند مثل آن که در ماده قبل ذکر شد.

**حاج سید ابراهیم** - آن لفظ بخواهد خوبست تبدیل شود باین جمله در صورتیکه برای شرکت لازم باشد.

**رئیس** - مذاکرات کافی است اصلاحی از طرف آقای لواءالدوله شده قرائت میشود (بببارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این جمله از آخر ماده ۱۱ اضافه شود هر گاه در اراضی غیر دولت واقع شود شرکاء باید مطابق ماده دهم رفتار نمایند

**افتخار الواعظین** - وقتیکه بنشاید از برای نصب پایه ها در اراضی شخصی قیمت بدهد از برای ساختن انبار بطریق اولی باید قیمت بدهد مقدار آن پیشنهاد در خود ماده است.

**لواءالدوله** - لزوم این اصلاح خبلی واضح و محسوس است.

**رئیس** - رای میگیریم در اصلاح لواءالدوله آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (یکی دوفر قیام کردند)

**رئیس** - رد شد اصلاح آقا میرزا ابراهیمخان خوانده میشود (بببارت ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم ماده یازدهم باین طریق نوشته و اصلاح میشود

و نوشته شود از طرف وزارت فواید عامه اعطاء خواهد شد.

**رئیس** - ماده ۱۲ خوانده میشود شما ماده ۱۱ را بنویسید.

ماده ۱۲ شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را کلاً یا جزاً بنحوی از انتضاه بقیه خارج انتقال دهد مگر با اجازه دولت.

**حاج شیخ اسدالله** - مگر با اجازه دولت اگر چه دولت هم شامل مجلس شورای ملی و هیئت وزراء میشود ولی خوبست تصریح شود مگر با اجازه مجلس شورای ملی.

**افتخار الواعظین** - عرض می کنم لفظ دولت شامل مجلس شورای و هیئت وزراء است و البته اگر هیئت وزراء صلاح دانسته اند انتقال بقیه خارج را آنوقت بمجلس شورای ملی هم میآوردند.

**مهرعل الدوله** - یک قسمت مرایض بنده را آقای حاج شیخ اسدالله کردند و باید تصریح شود با اجازه مجلس شورای ملی باشد یکی دیگر آن اینست که این شرکت یک جزء از امتیاز قندسازی است که به تبعه خارج داده شده و باید قبلاً دانست که مناسبت این شرکت با قندسازی چیست شرکت است باو با جرع اوست با این امتیازی که میدهم باو عاید قندسازی هم خواهد شد یا غیر مختص بهمین شرکت است و یک شرکاء با اینخصوص خواهد داشت تا قبلاً این مسئله معلوم میشود گمان می کنم این ماده بکلی لغو خواهد بود بواسطه این که شاید یک اجاره میدهم بداخله در صورتیکه آن شرکت راجع بیک خارج است.

**رئیس** - مذاکرات کافی است دو فقره اصلاح از طرف آقای لسان الحکماء و مشیر حضور شده است قرائت میشود

از طرف لسان الحکماء - اصلاح ماده ۱۲ شرکاء مزبور حق ندارند که این امتیاز را کلاً یا جزاً بنحوی از انتضاه بقیه خارج انتقال دهند.

از طرف مشیر حضور - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ عوض جمله اجازه دولت نوشته شود با اجازه مجلس شورای ملی.

**لسان الحکماء** - مسئله امتیاز چون پیشنهادی در آنخصوص شد و بکسیون ارجاع شد و بپورت کبسیون خواهد آمد هر طور آن اصلاح شد اینهم اصلاح خواهد شد اما مسئله ثانوی و گمان میکنم بهیچوجه جای این جمله آخر نیست البته هر وقت مقتضی شد دولت باز میآورد بمجلس که از مجلس بگذرد پس اینکه من پیشنهاد کرده ام این را گنجانیدم که شرکت حق ندارد جزاً یا کلاً بقیه خارج واگذار نماید بنحوی از انتضاه.

**افتخار الواعظین** - ما لازم دانستیم که شرکاء نوشته شود بجهت اینکه یک شرکاء مؤسس این شرکت دارد یک شرکاء غیر مؤسس و ما هنوز نمیدانیم شرکاء کهها هستند باینجهت اینکه مرقوم فرموده اند شرکاء مزبور در صورتیکه ما بدانیم شرکاء کهها هستند لهذا ما در کبسیون با اینحافظه که شاید شرکت بخواهد دوفر از تبعه خارج را در این شرکت داخل کند بجهت استفاده از آنها بدون اطلاع دولت نباشد و کبسیون آن پیشنهاد آقای لسان الحکماء را نمیتواند قبول کند.

**مشیر حضور** - بنده تصور میکنم که این مسئله خیلی اهمیت دارد و اگر چنانچه این کمیته بخواهد منتقل به خارج کند حتماً باید به اجازه مجلس باشد.

**رئیس** - مذاکرات کافی است حالا رای میکنیم و اول باید در پیشنهاد مشیر حضور که اجازه مجلس شورای ملی را پیشنهاد کرده رای بگیریم.

**حاج آقا** - نیشود رای گرفت.

**رئیس** - چنانچه مشور در رای گرفت.

**حاج آقا** - بجهت اینکه موضوع پیشنهاد امتیاز است و آن بکمیسیون رجوع شده این باید بماند تا پس از راپورت کمیسیون.

**رئیس** - در الحاق این کلمات به آقای مشیر حضور پیشنهاد کرده اند رای گرفته میشود آقایانیکه اصلاح آقای مشیر حضور را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - قابل توجه شد بر میگردد بکمیسیون ماده سیزده خوانده میشود. بعد از انقضای مدت این خطا در روز ۱۳ پهنه نقطه که کشیده شده باشد با تمام تعلقات آن مجاناً بدولت واگذار میشود.

**دکتر سعیدالاطباء** - در صورتیکه با امتیاز رای داده شد و رفته است بکمیسیون گمان نمیکند مذاکره در این ماده جای داشته باشد بجهت اینکه در صورتیکه امتیاز قبول شود گمان نمیکند شرکت حاضر باشد که پس از مدت اجازه سیم و متعلقاً اشرا بدولت واگذار کند با بجهت بنده پیشنهادی کرده ام که این ماده رایج شود بکمیسیون.

**حاج وکیل الرعایا** - گمان میکنم اکثریت مجلس هم نظری غیر از این نظر بنده نداشته باشند یا این سیم کمترین تا پنجده سال دیگر مانع تغییر نمی دانیم که فقط یک نفر سیم کشی بکند و تا پنجده سال دست دیگران را ببندیم و خیلی انتظارها را با آفتاب این مملکت داریم و گمان میکنم بعد از آنکه نظر مجلس تا یک اندازه معلوم شده است و قابل توجه شد و مانع تغییر را هم تصور نمیکند تصویب بکنند با وجود آن این ماده را لازم میدانم و پس از پنجده سال تصور میکنم هر منفعتی که کرده است صکافی است و باید پس از این مدت بدست ممالک اویش بسپارد.

**حاج شیخ اسدالله** - همان قسمیکه مذاکره شد و آقایان فرمودند این شرکت و این شرکاء باین ماده حاضر شده اند در صورت امتیاز در صورتی که با امتیاز رای بدیم و در صورتیکه با امتیاز رای ندهیم رای میدهم که سید هزاد تومان مال دولت باشد باید دید که طرف هم داخل است یا خیر خوب است اینهم بر گردد بکمیسیون.

**رئیس** - دو فقره پیشنهاد شده است خوانده می شود.

از طرف دکتر سعیدالاطباء - بنده تقاضا میکنم که ماده سیزده بر گردد بکمیسیون. از طرف هشترودی - بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود با تمام تعلقات از زمین و غیره بدولت واگذار میشود.

**رئیس** - اول رای میکنیم در رایج بکمیسیون

آقایانیکه تصویب میکنند مراجع بکمیسیون را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شده است ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ دارای لفظ امتیاز است مراجع بکمیسیون میشود ماده ۱ - نوشته شده خوانده میشود (بیمارت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - در نقطه از نقاط که خط سیم تقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آن محل امتیاز بجای کارگران بنا نماید در صورتیکه در اراضی با بهره دولت واقع شود بدون ادای هیچ وجهی با تعیین وزارت فوائد عامه دولت اراضی لازم را بشرکت اعطاء خواهد فرمود (انتخاب اول و اهلین)

**رئیس** - رای میکنیم بنده ۱۱ بطوری که فرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد بقیه شور در این امتیاز میماند برای روز شنبه از منبر خواهش دارم تاروز شنبه عصری راپورت بدهد لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است راجع با امتداد مدت امتیاز راه اهواز که کمیاتی اینچ است رجوع میشود بکمیسیون فوائد عامه دستور روز شنبه شور در بقیه لایحه راجع بشرکت قندسازی قانون اداری معارف اگر وقت شود - راپورت کمیسیون بودجه راجع به هشتاد و نه هزار تومان که از بودجه دربار برگشت کرده است یک فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بورق فتح الله خان مجاهد

**ادیب التجار** - در باب این ماده طرح قانونی بنده سی و پنج شش فقره تقاضا کرده بودند که راپورتش خوانده شود تقاضا میکنم حالا اگر وقت داشته باشیم رای گرفته شود.

**سلیمان میرزا** - در جلسه گذشته تقاضا کردم آن پیشنهادی که از طرف وزارت علوم شده بود در خصوص مضاری که برای اثابیه مدارس پیشنهاد شده است گویا چون عدم کافی نبود آقای نایب رئیس رای نکرده و مذاکره هم ندارد گویا همه آقایان موافق باشند که بدون مذاکره بگذرد.

**رئیس** - چون آنرا معاون وزارت معارف امضاء کرده بود بنده پس فرستادم که وزراء امضاء کنند اگر تا روز شنبه آمده جز دستور شنبه میگذاریم والا مرمانه بروز یکشنبه.

**معین الرعایا** - خاطر نمایندگان محترم بخوبی مسوق است که هفتماه است آذربایجان کام ندارد و در بدو امر آقای علاءالدوله را معین کردن و سپس از مدتی نمی دانم بجهت ملاحظه استعفای داد بعد از آن حضرت والا عین الدوله را معین کردند سه ماه تمام است که کمتر وقتی شده است آنچنین بلاکش ایالتی آذربایجان برای تسریع حرکت آقای عین الدوله تلگراف نکرده باشد و ما نمایندگان آذربایجان سماع تمام است در تکلیف بوده ایم که حضرت والا با آذربایجان برون باز هم بقصد خودمان نایل نشدیم حال حضرت والا فرمانفرما را حاکم کرده اند نمی دانم ایشان هم مثل آقایان سابق الذکر حکومت آذربایجان را برای استفاده شخص خودش قرار خواهد داد که از اسم حکومت آذربایجان استفاده بکند یا خواهد رفت امبدوارم خداوند فردای قیامت در محکمه عدل خود داد مظلومین آذربایجان را از این اشخاص بگیرد در این ضمن هم وزراء عظام در نظر گرفته اند

که فتوئی در تحت ریاست آقای سردار بهادر و مسو یفرم خان با آذربایجان بفرستند ما تصور کردیم کفرته اند امروز صبح از آقای رئیس الوزرا وزیر داخله سؤال کردم فرمودند نرفته اند همه آقایان وضع آذربایجان را میدانند که آذربایجان در چه آتش میسوزنی هیچ بنده لازم نیست عرض کنم حالا تقاضا میکنم که یک کمیسیونی از مجلس تشکیل شود چونکه ما کلاهی آذربایجان هم عرابضمان از تأثیر افتاده است یک کمیسیونی تشکیل شود از امجسلس که با وزراء ملاقات کرده ادرومی در این چند روزه بفرستند حالا بنا مقدس اسلامیت و ایرائیت از مجلس مقدس شورای ملی تقاضا میکنم که یک کمیسیون پنج شش نفری معین کند که با وزراء ملاقات نمایند اولاً در باب تسریع حرکت حکومت که حکومت فوری حرکت کند و بعد در باب حرکت اردو فراری بدهند و بعد از رفتن اردو اگر حکومت چند روزی تأخیر کند عیبی نخواهد داشت لکن رفتن اردو اصلاً خیلی لازم است

**رئیس** - بنده گمان میکنم این نوع مذاکره کردن در اینجا هیچ فایده نداشته باشد یا باید از وزراء سؤال کنید یا استیضاح

**معین الرعایا** - مقصود بنده ابتدا سؤال و استیضاح نبود مقصودم تقاضای کمیسیونی بود که بروند بطور رسمی یا غیر رسمی بخواهند کار اردو را بفرستند.

**رئیس** - این راهم بنویسد و رای بگیریم والا اکثر من بخواهم اینطور اجازه هارا بدیم مجلس ارزتم خارج خواهد شد

( در این موقع که یکساعت و نیم از شب گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد )

جلسه ۳۱۴

صورت مشروح روز شنبه

۵ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶

رئیس ( آقای مؤتمن الملک ) ۳ ساعت

وربع کم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده پس از ده دقیقه افتتاح شد ( صورت مجلس روز پنج شنبه سیم را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند )

( غائبین جلسه قبل ) بدون اجازه آقایان آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا سید محمد باقر ادیب حسنینجیان - میرزا علی اکبر خان با اجازه آقایان مرمزالملک - حاج مصدق المالک آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند - آقا شیخ رضا ۳۵ دقیقه آقای طباطبائی ۴۰ دقیقه آقای حاج امام جمعه نیم ساعت

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید

**آقا سید حسن مدرس** - بنده در اصل واگذار کردن سیم تقاله بدولت حرجی نداشتم در کیفیت واگذار کردن سیم و متعلقات بمدا ۵۰ سال بدولت حرج داشتم

**بهجت** - ماده دویم را بنده زائد میدانم در آنجائی که نوشته بود در موقع لزوم عرض کردم در موقع لزوم لازم نیست قید شود البته بجهت اینکه کمیاتی خود در آن موقع پهریز از معادنی که

لازم بداند ابتدا خواهد داد و دیگر اینکه ذیل آن ماده نوشته بود که با اجازه وزارت فوائد عامه عرض کردم در صورتیکه مجالس اجازه میدهد دیگر اجازه وزارت فوائد عامه را لازم ندارد فقط باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد

**دکتر سعیدالاطباء** - این در صورت مجلس نوشته شده بنده با آقای هشترودی یک پیشنهاد کرده بودم در صورتیکه بنده پیشنهاد نکرده بودم فقط تقاضا کرده بودم که ماده ۱۳ بکمیسیون ارجاع شود

**معین الرعایا** - مقصود از عرایض بنده چنانچه عرض کردم اعتراض نبود تقاضا کردم کمیسیونی برای مذاکره با وزراء تشکیل شود

**رئیس** - این اعتراضات همین طوریکه گفته شد اصلاح میشود دیگر مخالفتی نیست ؟ ( اظهاری نشد )

**رئیس** - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد

**ادیب التجار** - چون يك ماده از آن دو ماده پیشنهادی بنده در کمیسیون بودجه با اتفاق آراء تصویب شد و راپورتش به هیئت رتبه رسیده است تقاضا میکنم که امروز اگر مجلس مساعدت میکنند در جزء دستور گذاشته شود

**رئیس** - رای میکنیم در اینباب آقایانی که تصویب میکنند که این مطلب جزء دستور امروز بشود قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بشرکت قند سازی قرائت میشود ماده اول ( ماده اول راپورت دویم کمیسیون فوائد عامه بمبارت ذیل قرائت شد )

ماده اول - امتیاز تأسیس سیم تقاله مطابق مواد ذیل از کهریزک طهران و از طهران باوشان بشرکت قندسازی داده میشود .

میرزا یانس

از فرار راپورت نامیونی کمیسیون فوائد عامه معلوم میشود مسئله سیم تقاله را بعنوان امتیاز بمجلس پیشنهاد میکنند نه بعنوان اجازه اگر این امتیاز معین نیست که در این راه مخصوص کار او شان بطهران و از طهران بکهریزک

امتداد این سیم تقاله و حمل و نقل ذغال منحصراً بهمین شرکت قندسازی است بنده چنانچه در جلسه سابق عرض کردم مخالفت خودم را حالا هم عرض میکنم و مخالفت بنده الان عرض میکنم که از چه راه است اول مخالفتی که با این مسئله دارم يك مخالفت مسلکی است که باتمام مسائل انحصاری دارم و تمام انحصارها را در مملکت مخالف میدانم تا بحال در هیچ مملکتی دیده نشده است يك چیزی را انحصار بکنند یا اینکه يك انحصاری را اسباب پیشرفت مملکت تصور کنند و اسباب خرابی مملکت نشود

این از یکطرف و از طرف دیگر انحصار دادن این مسئله باین وضع با وضع مملکت مشروطه مایکلی مخالفت است چرا برای اینکه سابق براین دولت استبدادی داشتیم هر کس امتیازی از این دولت میخواست میرفت چند نفر وزیر را میدید و یک امضاء صدر اعظمی میگرفت بدون اینکه کسی بداند این امتیاز چند ساله است هر چه میخواست میگرفت و این با وضع دولت مشروطه بکلی مخالف که اینگونه

لازم بداند ابتدا خواهد داد و دیگر اینکه ذیل آن ماده نوشته بود که با اجازه وزارت فوائد عامه عرض کردم در صورتیکه مجالس اجازه میدهد دیگر اجازه وزارت فوائد عامه را لازم ندارد فقط باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد

انحصارها داده شود بدون اینکه بزرگوار گداشته شود و بتام مملکت اعلان شود که دولت میخواهد امتیاز بدهد و همین طور بر دارد و بدون اینکه اعلان مزایده بدهد یک کسی یا يك شرکتی انحصار و امتیاز بدهد در وزارت فوائد عامه مذاکره شده است بدون این که کسی بفهمد در مجلس آمده است و تقاضای فوریت شده است و در دومجلس می خواهند رای بدهند و بگذرانند که اعلان شود و معلوم بشود که آیا شرکت دیگری هست که این را بهتر از این قبول کند درست است که ما باید همیشه با اجازه داخله همراهی بکنیم و من هم خیلی مایله ولی بانچار داخه باید مساعدت بکنیم در صورتیکه طرف مقابل آنها تجار خارجه باشند نه اینکه همراهی با آنها بکنیم در صورتیکه طرف مقابل با آنها تمام اهل مملکت است آیا همراهی از اهل مملکت لازم تر است که وظیفه مجلس هست یا همراهی با یکسختی از تجار و قبیل از آنکه عرایض خودم را بخدمت برسانم این را باید عرض کنم که بعضی این مسئله در شهر معلوم شد که پر روز مجلس شورای ملی میخواهد یا عقیده دارد که انحصار سیم تقاله را از معادن ذغال سنگ لار و او شان بطهران و از طهران الی کهریزک يك شرکتی بدهد پیدا شدند بعضی ها که پیشنهاد فرستادند و بنده عقین دارم که دیروز پیشنهادشان را برای دولت فرستادم اند ولی چون دیروز جمعه بوده است هنوز بمجلس برسیده است شاید جماعتی باشند که این امتیاز را اگر با انحصار باشد بشرايط خیلی بهتری قبول بکنند یعنی بشرايطی که منفعتش نسبت بمال دولت و اهالی از اینکه اینجا شده است خیلی بهتر باشد اولاً بنده مخالفم با اینکه يك انحصاری کسی داده شود ولی وقتی که دولت خودش را مجبور ببیند که يك مسئله را بطور انحصار يك کسی بدهد باید بقاض و قوانینی که حالبه هست بطور مزایده داده شود و او را بتمام مملکت اعلان کند و بان اشخاصی که بهتر از این قبول می کنند بدهند نه اینکه يك دسته اشخاصی که هر جور خودشان پیشنهاد میکنند قبول شود.

**دکتر اسمعیل جان** - نوبت بنده است و چون بنده قبل از وقت اجازه خواسته ام **رئیس** - فقط نوشته اید بعد از يك مخالفت معلوم نیست درجه ماده موافقید **حاج آقا** - بنده با اینکه اساساً در مواد امتیازات موافق عقیده آقای میرزا یانس تا بتوانم امتیازات را تصویب نمی کنم ولی نه از باب مسلکاً مخالف با امتیازات باشم بلکه بر عکس دادن بعضی امتیازات باشم بلکه بر عکس دادن بعضی امتیازات لازم می دانم که بعضی اشخاص داده شود و بعضی ترقیات صناعی یا تجارتی را در مملکت بطریق مشرا منحصر میدانم امتیازات ولی البته مادامیکه ممکن باشد امتیاز ندادن انحصار نداشتن يك نفر یا چند نفر البته بهتر است این اساساً ولی در اینجا چون يك مطلب دیگر است که فقط امتیاز سیم تقاله است که از مملکت ذغال سنگ از او شان بطهران کشیده شود این حقیقتاً يك امتیازی است که گرفته میشود بجهت تسهیل امور کارخانه قند سازی باید این را در نظر داشت که اگر ما میخواهیم فقط در مجلس صحبت این را بکنیم که یک شرکتی در مملکت تأسیس شده است که

میخواهد امتیاز سیم تقاله را بجهت حمل و نقل اشیاء از فلان نقطه بفلان نقطه بگیرد البته تمام آن اشکالاتی را که آقای میرزا یانس کردند در اینجا وارد بود ولی چون حقیقتاً این يك شرکتی است راجع بيك کارخانه دیگر که اگر امروز بدانیم صد شرکت دیگر تأسیس میشود و فرض بفرمائید بشرايط اسهل از این این امتیاز را قبول میکند ولی ندانیم که فایده اش راجع بکارخانه قند سازی است ابتدا تصویب نخواهیم کرد که امتداد این سیم تقاله امتیاز داده شود ولی چون مربوط بکارخانه قند سازی است و میدانم که منظور از این امتیاز این بوده و هست که این کارخانه قند سازی و امثال این در مملکت که آرزوی همه ما ها است راه بیفتد و چون آن شرکتهای دیگر که مرتبط باین نیست از این جهت این شرکت اگر چه بشرايطش هم مشکل تر از این باشد بنده این امتیاز را لازم میدانم که داده شود و دیگر اینکه نماندن ملت که فرمودند و همچنین پیشنهاد تجار را از همین نقطه نظر تصدیق خواهند فرمود که این ابداً مابین باین مطالب نیست بواسطه اینکه ما وقتى باید اینرا اعلام کنیم ب دیگران که نظر ما بکارخانه قند سازی نباشد اما اگر نظر بکارخانه قند سازی است ما باید بدانیم که شرکت قند سازی چه میخواهد چون عهده نظر ما بسته بکارخانه قند سازی است و شرکت قند سازی میگوید بدون این امتیاز نمیتوانیم این کار را بکنیم و ما هم نظرمان بان شرکت قند سازی است و میخواهیم در حقیقت این شرکت راه بیفتد نه آنکه فقط بيك امتیازی داده باشیم که سیم تقاله از او شان بطهران را امتداد دهند از این جهت بنده لازم میدانم برای مساعدت باشركت قند سازی همه جور مساعدت با این کمیاتی کرده باشیم و چون اساساً میخواهیم این نمره کا خانجات در مملکت راه بیفتد نباید از لفظ امتیاز هم استیغاش بکنیم با اینکه اگر خود شرکت راضی شده بود یا اینکه بعد از این راضی شود ما نمیگفتیم باید امتیاز داده شود اما شرکت چون بدون این امتیاز اظهار کرده است که پیشرفت کارش نمیشود و بنده در جلسه سابق مخالف با امتیاز بودم از نقطه نظر اینکه خود شرکت هم امتیاز نخواسته و چون بعضی امضاء کمیسیون هم اینطور اظهار کرده بودند ولی حالا چون ملتت شده که شرکت بدون اینکه امتیاز دارا باشد پیشرفت امور خودش را نمى بیند از این جهت بنده موافق هستم که از نقطه نظر قند سازی همه نوع با این شرکت مساعدت بکنند بجهت اینکه مقصود ما قند سازی است نه اینکه يك امتیازی بدهند راجع بسیم تقاله و از این جهت اگر پیشنهادها می شده است و بشرايطی هم سهل تر باشد باز از نقطه نظر قند سازی این را باید مقدم بدانیم

**حاج امام جمعه** - در اینجا مسائل نظر بصلاح مردم و مملکت است مثلاً ما خیلی راندمیم و میخواهیم که قند سازی اینجا باشد برای چه برای دو مسئله یکی اینکه این جنس را ارزانتر بخیریم و یکی این که بولمان بملکت خارجه نرود برای این دو مساعدت نمیشد شما آقدر حریص نمیشدید که این کارخانجات احداث بشود تمام مقصود شماها که خیر خواه هستید این است حالا میخواهیم نفع و ضرر این کار را بسنجیم يك قند سازی در کهریزک میخواهیم درست بکنیم

لازم بداند ابتدا خواهد داد و دیگر اینکه ذیل آن ماده نوشته بود که با اجازه وزارت فوائد عامه عرض کردم در صورتیکه مجالس اجازه میدهد دیگر اجازه وزارت فوائد عامه را لازم ندارد فقط باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد

اولا میخواهیم بفهمیم بر فرض اینکه دائر هم بشود نکت بانصاف قند این شهر را با ناله بدهد احتیاج ما را بکلی از خارجه رفع میکند نه ما را از خارجه غنی میکند اگر نقطه نظر ما همین باشد که نصف یا نکت قند این شهر را بتواند بدهد این یک مصلحتی است در مقابل این میخواهیم یک امتیاز سیم کشی از اینجا تا کهریزک و از اینجا تا معدن را باو بدهیم اینجا دو نقطه نظر است یکی برای مصالح این کارخانه میخواهید یک سیمی از معدن بکشید این یک مصلحتی است بسیار خوب و بسیار مفید برای ترفیع عساکر کارخانه و یکی دیگر اینست که یک کسی میخواهد بسازد این سیم را از معدن لار بکشد که در حقیقت ذغال سنگ این شهر منحصر به آنجاست ذغال سنگ این شهر را بدهیم بآن کارخانه که دیگر کسی نتواند سیم بکشد از لار باینجا برای آوردن ذغال سنگ باین شهر تا امروز بواسطه عدم اطمینان مردم به کارهای دولت و بی امتیاز دولت یعنی عدم اطمینان داخل اینطور کارها را اقدام نکرده اند ولی بعد از این اینطور کارها خیلی اقدام خواهد شد آن روز اینجا بعضی از نمایندگان توضیح دادند که خرواری پنجقران مضار استخراج دارد و از آنجا هم تا اینجا که باسیم بیاید این دیگر چندان مضار ندارد بر نمی دارد لکن وقتی که این را بشکلی امتیاز بکسی دادند دیگر کسی نیست که بیاید در مقابل این مدعی بشود آن وقت آنچه میخواهد بدخواهد خودش میکند حالا خواهی فرمود که دولت باین شرکت یک قطع و فراری میکند آن هم باز آن فایده که ما بجا می آوریم بخواهیم داشته باشیم میشود این هم معلوم است وقتی کسی دیگری نمیتواند بیاید از معدن ذغال سنگ تا اینجا سیم بکشد که برای او مفید باشد اگر مفید نباشد که کسی دیگر نمیتواند سیم بکشد پس بنظر بنده نفع و ضرر را که ملاحظه میکنیم ضرر و منفعت امتیاز راه از معدن ذغال تا طهران را چون از اینجا تا کهریزک را مخالف نیست ولی از معدن ذغال تا اینجا اگر امتیاز بدهند یک قسمت بزرگی از مال مردم را داده اند باین کمپانی و حال آنکه یک کارخانه قند سازی برای مادر کهریزک دائر خواهد شد اما باید به بینیم که این ضررش برای مردم زیادت است یا نفعش محققاً این ضررش بیشتر از آن منفعتی است که حاصل میشود .

شهر مضر است یا نافع باز در این مواد آنچه همین شده است با این وضع حالیه می بینیم نصف تفاوت میکند سابقاً ذغال خرواری هفت تومان الی هشت تومان فروخته میشد ولی در این جا می بینیم از سه تومان ونیم بیشتر نمیتواند بفروشد این خودش یک افتاقه فوق العاده است برای این شهر که بواسطه این سیم نقله آسوده میشوند در گران ذغال یعنی آنچه را که هفت تومان میفروشد حالا سه تومان و نیم میفروند همچنین سایر اجناس که با این سیم وارد این شهر میشوند یعنی البته وزارت فوائد عامه همین ملاحظه را در سایر اجناس میکنند و آن فایده را که بر مردم نرسد حالا بواسطه این سیم نقله می رسد ولی این مطلب را باید در نظر داشت که کلیتاً باید امتیازات را در قسم کرد یک قسم امتیازات بخارج همانند این که ما داریم این خانه امرا نسبت بخارج اجاره هم نباید بدهم که غیر بیاید داخل این خانه شود اما نسبت بداخل بنده ملاحظه میکنیم ببینیم که در این مملکت ما اگر هر صد نفری یک امتیاز هم بدهیم باز کاری که محتاج باو باشیم داریم یعنی اگر هر صد نفری یک امتیاز بخواهند و مسئول یک کاری بشوند باز هم یک امتیازی داریم که با آنها بدهیم این کمپانیها و شرکتهای دیگر بعد از این پیدا میشود مگر منحصر است بسیم نقله کارهای دیگر هم داریم راه داریم صنایع هم داریم زراعت لازم داریم خدا کند اهالی مملکت هر صد نفر یک نفر حاضر شوند هر کدام طریقی را پیش بگیرند و ما هم امتیاز بدهیم و همه جاها آباد شود ولی این امتیاز در این جا دو فایده دارد یکی آنکه جلو گیری میکند از تاجران داخله که رقابت می کند بر سر یک موضوع وقتی که معین کردند که این امتیاز مال این شرکت است سایرین از اینجا منصرف میشوند و نظر یک جای دیگر میکشند که هر دو جا آباد شود ولی اگر چنانچه غالباً واقع میشود تراجم در یک مسئله میکنند آن وقت هیچ کدام در آن ها نائل بمقصود نخواهند شد نظر این این است که یک نفر چند نفر اولاد دارد و چند اطان هر اطافی را برای یک نفر از اولادش معین میکند ولی اگر معین نبود و هر ج و مرج بود هر کس در هر اطافی برود اسباب خرابی اطاق ها خواهد شد و دیگر آنکه یک نکته مراعات شده است که عیب امتیاز را بر میدارد و آن این است که شرکت اختصاص ندارد با شخص معینی یعنی اینطور نیست که محدود کرده باشند بدو نفر یا بیست نفر این یک شرکتی است که اعلان میکند بمملکت که هر کس میخواهد در داخله یک سهمی قبول بکند و باین اندازه هم شریک خواهد بود پس در حقیقت گفته ایم این یک انتفاعی است برای عموم باین ترتیب که بیایند اسماشان در دفتر ثبت شود و یک سهمی را خریداری بکنند و بهمان اندازه منتفع شوند و مطلب دیگر این است که ما نباید مهمان امکان از این تجارت هائی که تأسیس میشود همراهی بکنیم و آن ها را از مصادقات حفظ بکنیم و حفظشان موقوف یک تربیتی است که بواسطه آن ترتیب از مصادقات آورده باشد امروز امتیاز دادن بتاجران داخله یک سنی است که واجب است آن سنی آهنگی را دور آن ها ابتداء بکنیم تا اینکه آن ها بتوانند از رقابت ها و از مصادقات خارجه خود را

محموظ بدارند و الا دلبران را خوش کنیم که هر کس بتواند مملکت را آباد بکند این چیزی است که نمیشود باید اول محدود کرد و پس یکی داد که بیاید آباد کند بعد اگر دیدیم اسباب صدمه برای عموم میشود آن وقت هم مدتش که ده سال هست منقضی میشود امتیاز ما را تجدید بکنیم نه اینکه منقدر که لفظ امتیاز آمده است سیم و وحشت کنیم پس بنده باین امتیاز موافق هستم و خیلی خوشحال هستم باین جهت اعلان میکنم در مملکت که هر کس میخواهد تأسیس شرکتی برای آبادی مملکت کند و میخواهد ایران را بدست ایرانی ها آباد بکند بیاید و ما امتیاز باو میدهم و رو بادی میگذایم و نباید مملکت را پیش از این معطل بگذاریم باید هر قدر بتوانیم احتیاجاتمان را بخودمان ارجاع کنیم نه بخارج .

**حاج وکیل الرغایا** - آنچه بنده از دلائلی که بیان کردند استخراج کردم من حیث المجموع این بیرون آمد که ما نظرمان با تأسیسات عام المنفعه است و بنده آن را در امتیاز بکلی برعکس می بینم گویا بنده بدین باشم ( بعضی گفتند صحیح است ) بله صحیح است بنده گمان میکنم یک وقتی طهران آبش کمتر از این بشود و اگر یک کسی می آمد که من حاضرم که یک قناتی بیرون بیاورم و ده یک او را بدست بدهم آنوقت همین مجلس فوراً امتیاز میداد و اگر باو این امتیاز را میدادند آنوقت او مانع لایز میشد که هیچوقت کسی نتواند آب بیرون بیاورد و یک بطری آب را یک قیمت معینی شاید میفروخت و بنظر شما این عرض بنده یک چیز فریبی می آید شاید یک وقتی طهران دارای ده کروز جمعیت بشود و شاید هم وقت او هم خیلی دیر نباشد دیر هم نشده دنیا همیشه پرده های عجیب و غریب نشان میدهد بنابراین از آقایان میبرسم که این مانع لغیر را از کدام دلیل میتوان پیدا کرد که ما یک منفعتی میتوانیم پیش بینی کنیم بجز آنکه برای آن چند نفری که این را با آنها میدهم توانسته ایم که یک منفعتی برای عموم نمی بینیم که ما توانستیم پیش بینی بکنیم در امتیاز اما در اجازه شاید بنده خیلی حاضر تر باشم از سایرین که بگویم بعضی از شرایط این را باید تخفیف داد سهلتر کرد که مانع لایز هم نباشد نه اینکه ما بایتم با آنها این امتیاز بدهیم با این شرایط و دیگران را مانع شویم و حق انحصار را از دست بدهیم باید گفت بچه سبب آخر دیگران نباید حقی از این آب و خاک داشته باشند مانع لغیر را اگر خوب بشکافیم همین معنی را بخوبی در بردارد حالا اگر بگویند خیلی خوب همینقدر در نظر داریم دیگر نه اطلاع ملت لازم است و نه حرف زدن و مثال بنده منم حرفی ندارم اما اگر مقصود مجلس مقدس و آقایان نمایندگان این است که این امتیاز را که میدهند برای یک نفع عمومی است که مراعات حال اعتدالشان را کرده باشند در صورت امتیاز هیچ همچو موفقی محفوظ نمی ماند و بالاخره چنانچه خواهیم دید حق دیگران را از دست داده ایم چنانچه گفته شد یک خروار ذغال از معدن به پنجاه هزار از آب بیرون می آید یک روزی هم بیاید که به پنجاه هزار دینار بیاید تا طهران و این هم اینقدر دور نیست ممکن است که خیلی زود به این نتیجه برسند و آنوقت ممکن است تاجر

بمکتومان را یک تومان و ده شاهی یا یک تومان و صد دینار بفروشد مردم از هندوستان ذغال میآورند تا بنادر ایران و میبروشند تقریباً خرواری پانزده هزار بیروسیه به بنید خوب بود آنها هم امتیازی دادند ما از کوه دماوند و از کوه البرز بطهران باید بیاوریم بخرواری سه تومان و نیم و آنوقت بعد ما بگوئیم که ما باعقاب این ملت خدمت کرده ایم و برای آنها منفعتهای جلو جلو شردیم و اینها را شاید بعضی آقایان تصدیق نکنند ولی منم تا چارم از گفتن آقایان میفرمایند قند سازی خیلی خوب بنده هم میخواهم قند سازی راه بیفتد و بنده از همان نظری که میخواهم قند سازی راه بیفتد میگویم امتیاز نباشد بلی بنده عرض میکنم زمینهای با بر افتاده است در این مملکت که میتواند برود زیر زراعت همین اراضی را زیر زراعت بیندازند این اراضی یا مال همین شخص بخصوص است که این کارخانه را خریدار است یا مال دوستان است اگر مال همین شخص بخصوص است آقایان همین قند سازی کار شمارا درست نمیکند چنانچه قند سازی میخواهد کارخانههای دیگر را هم که از قند سازی لازم تر است میخواهد آنوقت چه خواهید کرد اما یکی از آقایان فرمودند که هر صد نفری اگر یکی از این امتیازات را بشمارند که ما بیستیم چیست این امتیازات بله این مملکت یک چیز هائی دارد که تا یک اندازه ممکن است با امتیاز داد و عیانه چیزهای امروز حسی است و همه ما میتوانیم بدقت بفهمیم این طهران حاضر را در نظر بگیرند بیست سال پیش را در نظر بگیرند تا امروزه ببینند با اینکه هیچوقت در تحت نفوذ یک حکومت جابر مملکت آباد نمیشود باز چقدر آباد شده است شما ادعای عدالت و مروت دارید این خودش تأسیس آبادی است و بنده میتوانم پیش بینی بکنم که همین شهر تهران ممکنست ده کروز جمعیت داشته باشد و شما با این امتیاز دست اقبال را میبندید و ممکن است یک اجازه باشد که شرایطش کمتر و سهلتر نباشد حالا اینرا میدهند حالا دیگر اختیار با خود آقایان است میخواهند امتیاز بدهند میخواهند نهند و بنده با انحصار این بلکه با امتیازی مخالفم و اجازه روزی ده تایش را حاضر کنم بدهم .

**افتخار الواعظین مخبر** - بنده اینجا می مانع لغیر و می مانع لغیر و انحصار را میشنوم و نمیدانم از کجای این ماده استنباط میشود مانع لغیری اولاً باید بدانند که این امتیاز است نه انحصار و عرض میکنم شخص شما میخواهد یک کسی از برائیان حاضر شود از طهران تا یک نقطه خط آهن بکشد و مابقی بول خودش را صرف کند و خط آهن بکشد بتم و بفرق آنرا آنخط را با اجازه بکشد و یک کسی دیگر د و جب آنطرف تر اینخط را مجاز باشد که خط آهن بکشد این نخواهد شد و هیچ سرمایه داری و شرکتی اینکار را نمیکند از برای اطمینان خاطر آقای حاج وکیل الرغایا عرض میکنم که با شرکت امتیاز فروش ذغال سنگ را در طهران نمیدهم تا چه رسد بانحصار و امتیاز کشیدن سیم نقله راهم در تمام شهر طهران و در تمام نقاط باین شرکت نمیدهم و ایشان گمان نفرمایند که معدن ذغال سنگ طهران منحصر باشد بلار شاید در لار بیشتر باشد

ولی از فرر مذاکره اینکه در کمیسیون شد توضیحاتی که معاون وزارت فوائد عامه میدادند که در تمام ارفا تهران ذغال سنگ هست و دیگر خود ذغال لار را هم هر کس میخواهد بیاورد بطهران بفروشد احدی مانع نیست که او ارزاتر وارد کند لازم نیست که او با سیم نقله حمل کند خط آهن بکشد ذغال سنگ را از لار در کمال ارزانی وارد کند به طهران و ارزاتر بفروشد این دومسئله است یکی آنکه دولت چرا قبول کرده است کمیسیون چرا رأی داده مجلس چه میخواهد بکند این یک شرکت قند سازی است و این کارخانه علی سبیل تحقیق سال اول و دوم و ششم بلکه تا پنج شش سال ضرر خواهد کرد بچه اینکه در سال سیصد هزار خروار چغندر خوراک این کارخانه است و این کارخانه امروز اسباب حمل و نقلش کاملاً فراهم نیست و اسباب فلاح و زراعت او فراهم نیست بطور کامل با نتهای زحمت هشتاد هشتاد هزار خروار چغندر اگر بتواند در سال اول و دوم و سیم حاضر کند و با اندازه خوراک کارخانه نمیتواند حاضر بکند پس محققاً سال اول و دوم و سیم این شرکت باید قند را ضرر بفروشد و مخصوصاً وقتی که بخواهد مقابله بکند با یک رقیب و یک تجارت قوی که ممکنست او برای تقویت تجارت خودش دست یازد و بدهد و قندش را رواج بدهد و قیمت قند را در اینجا می کشم بکند و این شرکت برای اینکه بتواند در مقابل او بماند و ضرر بدهد اینجا ما گفته ایم برای اینکه بتواند از راه دیگری این ضررها را مقابله بکند باین سیم نقله هم حق دارد ذغال سنگ را بیاورد بطهران بفروشد ولی از خرواری سه تومان و پنجاه هزار بیشتر بفروشد و این حداکثر اوست و اما اینکه فرمودند ما برای اینکه برای کارخانجات دیگر هم داشته باشیم واضی نمیشوم که این امتیاز باشد گویا ماده (۷) پیشنهادی کمیسیون را مطالعه فرمودند مجلس شورای ملی هم آن روز که مخالفت میکرد نظرش بر این بود که شاید بعد از این کارخانجات و ماشین آلات و تأسیسات دیگری شود در این مملکت و برای آنها ذغال سنگ خرواری سه تومان و نیم نفع نکند و اسباب این شود که کارخانجات آنها دائر نشود این است که کمیسیون پیشنهاد کرد برای مصارف کارخانجات و ماشین آلات که امروز هست یا بعد از این دائر بشود باید شرکت متعهد باشد که خرج در درجه یک منفعت ده یک ده دو قناعت بکند که آن کارخانه جات دیگر دائر شود و بنده از آقای حاج وکیل الرغایا شوال میکنم آیا سرکار راضی میشوید که یک سرمایه ۳۰۰ هزار تومان بگذارید از لار بطهران سیم بکشد امروز که ضرر و نفع معلوم نیست پس از آنکه سرمایه خودمان را خرج کردند و سیم را دائر نمودند بنده منتظر نامان بعد از آنی که نتیجه معلوم شد آنوقت بیایم مقابله سیم شما سیمی طهران بکشم تمام سرمایه و هستی شما را معدوم بکنم گویا خود آقای حاج وکیل الرغایا راضی نخواهند شد اگر مجلس بخواهد یک همچو اجازه بجاج وکیل الرغایا بدهد گویا قبول نکنند پس اینکه این شرکت بآیه خودش یک اطمینانی داشته باشد که باین خط مخصوص و باین وسائل

مخصوص کسی حق ندارد خطی بکشد والا دیگران نمیتوانند خط شوشه بکشند و با کاری ذغال وارد طهران نکنند بلکه ممکن است که از سایر جاهای طهران همین سیم نقله را بکشند و ذغال را بطهران بیاورند و ارزاتر بفروشد برای اینکه آتیه این شرکت معلوم شده باشد ناچار است مجلس با اطمینان بدهد که این خط را بطور امتیاز میدهم ببنده انحصار که دیگری نباید بهلوی خط خود خطی بکشد و تورا نابود کند .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است ( گفتند کافی است ) .

**رئیس** - چون این ماده متضمن یک مسئله اساسی بوده از این جهت آنقدر مذاکره شده حالا رأی میکنیم بماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۳ هم که مذاکرات او بعمل آمده است حالا رأی میکنیم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۴ هم که مذاکرات او بعمل آمده است حالا رأی میکنیم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۵ هم که کمیسیون فراتر میشود .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۷ هم که مذاکرات او بعمل آمده است حالا رأی میکنیم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**حاج آقا** - این عبارت ناقص است یک کلمه ( لازم باشد ) باین نوشته شود .

**دکتر اسمعیل خان** - این لازم نبود منافاتی ندارد ولی عبارت هم صحیح است .

**افتخار الواعظین** - یک دوسه عبارت افتاده است اجازه میفرمائید که عرض کنم .

**رئیس** - بخوانید ( عبارت ذیل اصلاح را خوانده و بماده اضافه شد ) کارخانجات و ماشین آلات ( که حالیه موجود با در آتیه دایر بشود در طهران و اطراف طهران ) .

**محمد هاشم میرزا** - بنده دورا زیاد میدانم بجهت اینکه با تریبی که شد و توضیحاتی که آقای مخبر دادند و تأکید کردند که این مسئله تجارتی خواهد بود نه چیز دیگر و تمام آنچه که منظور ما بوده همه مشترک الورد است برای این کارخانه و کارخانه دیگری که دائر میشود لهذا بنده ده یک را بیشتر اجازه نمیدم این است که ده یک را پیشنهاد کرد عوض ده دو .

**افتخار الواعظین** - حضرت والا اگر در نظر داشته باشد که برای این شرکت بعضی مخارج های دیگر هم هست و قرار داده است که تمام این ماشین آلات و سیم و اتانیه را بدولت واگذار کند و همه ساله هم باید از بابت استهلاك این سرمایه یک قدری شرکت منظور بدارد و ده دو هم یک چیزی است که چندان زیاد نخواهد شد و امروز هم با حضور معاون که حساب کردند دیدیم که ده دو چندان برای کمپانی چیز زیادی نخواهد بود .

**آقای** - بنده همان ذیلی که آقای

مخبر در باب کارخانه فرمودند که از حیث رقابت ناچار است مقابله کند در کارخانجات دیگر هم این مسئله وارد است و لازم است که در حال آنها هم مراعات شود از این جهت بنده ده روز از یاد میدانم و ده یک پیشنهاد میکنم.

**رئیس** - در این ماده گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است)

**افتخار الواعظین** - خاطر آقایان مسوق باشد برای اینکه از روی اطلاع رأی داده باشند این دهنه و یک دهنه یک است زیرا که این خرج در رفته ده یک میشود برای اینکه از برای کمپانی ده یک خرج بر میدارد زیرا شرکت نمیتواند یک مبلغی که سهمگینی تعمیر بر میدارد روی او بکشد پس ده دو باید باشد که اقلاً ده یک فایده داشته باشد.

**رئیس** - چند فقره پیشنهادات قرائت میشود (از طرف ادیبان تجارت ببارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم و بعد از استثناء خرج ده یک را کافی میدانم.

**از طرف آقا میرزا احمد** - بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده (۷) در عوض ده دو ده یک اوسته شود.

**از طرف محمد هاشم میرزا** - بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۷) بجای ده دو ده یک نوشته شود.

**از طرف حاج سید ابراهیم** - ماده الحاقیه راجع بنده (۷) دایورت اول کمیسیون دولت در ابتدای حمل و میزان دوهرسال نرخ گرایه اجناس غیر ذغال و مسافری را با ملاحظه صرفه شرکت و صاحبان اجناس و مسافری معین نموده در روزنامه ها اعلان خواهد کرد.

**رئیس** - راجع بنده یک چند فقره پیشنهاد شده است یک پیشنهاد هم خسر در رفته ده یک نوشته شده (کاشف - بنده صدی ۱۰ پیشنهاد کردم **رئیس** - در هر صورت اول باید بصدی دهم رأی گرفت (از طرف حاج آقا)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۷) اینطور نوشته شود - شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی که از برای مصارف سوخت کارخانجات و ماشین آلات که حالیه موجود یا بعد از این در طهران و اطراف تاسیس میشود لازم شود و از روی موازین علمی از طرف دولت معین و تشخیص داده شود خرج در رفته بلاوه ده دو فایده به فروش رساند.

**حاج آقا** - این اصلاح عبارتی است خوب است آقای مخبر قبول کنند.

**رئیس** - معنوی اصلاح عبارتی است **محمد هاشم میرزا** - بنده آنچه راجع به یک عرض کردم مخارج تجارتنی بود و آقای مخبر میگویند که مخارج دیگر هم دارد و حال آنکه عبارتی که کمیسیون نوشته است بر خرج در رفته ده دو قرار داده و هیچ استثنائی نکرده و توضیحی نداده که کدام خرج مقصود است خرجی است که در سرمدن میشود یا خرج دیگری البته مقصود از آن چیزی است که راجع بکلیه این موضوع نسبت بخرج معدن و سرمایه و استهلاک هر چه هست روی هم رفته تمام مخارج است اگر این است که باید ده

یک بگیرد و اگر اینطور است که آقای مخبر فرمودند فقط مخارج استخراج تنها است بنده آن وقت پیشنهاد خود را استرداد میکنم و در راهم قبول میکنم ولی باید توضیح داده شود

**افتخار الواعظین** - عرض میکنم که اگر این شرکت دو سه خروار ذغال میخواهد بیک کارخانه بفرشد و در وسط سال است یک مقداری هم برای تعمیر سیم و غیره خرج کرده است ولی تا آخر سال نمی داند چقدر دیگر برای تعمیر خرج خواهد شد چطور او را قسمت کند که بیند باین ۳ خروار ذغال چقدر میرسد که او را علاوه بکنند این جا سه فقره خرج دارد یکی خرج استخراج از معدن یکی خرج تا آوردن باوشان که مرکز سیم است و یکی هم خرج گرایه سیم که میدانید چقدر مخارج می شود بعد از این سه فقره ده دو منفعت باو می دهند و استهلاک را دیگر نمی تواند یا مخارج تعمیر را بر هر پنج خروار که میخواهد بفرشد تقسیم بکند که بیند چقدر میشود این همین خرج در رفته ده دو باشد اگر برای خریدار هم بهتر فایده میباشد

**آقا میرزا احمد** - پس اگر نمی داند که آقای مخبر فرمودند نمی دانید که تا آخر سال چقدر مخارج میشود برای تقسیم در ده دو ده یک هم همین صور است و این دلیل نخواهد شد اگر مراد خرج در رفته است که هر چقدر از اول سال تا آخر سال مخارج میشود ده یک خودشان قرار داده اند باید باشد و اگر مراد این است که فرمودند پس چرا ببارت را درست نمی کنند پس بنویسند خرج در رفته راجع به این سه قسمتی از مخارج که فرمودند

**دکتر اسمعیل خان** - نظر کمیسیون با نظر آقایان چندان تفاوتی ندارد اینکه میفرمایند ده یک برای کمپانی پس است همینطور است یک ده یک برای استهلاک است که اسم نبرده ایم و یک ده یک هم برای کمپانی است اگر برای استهلاک نبود اسم برده نمیشد حالا میل دارند توضیح شود که یک ده یک از خالص بکمیانی داده شود

**رئیس** - پس همینطور است بنویسید بفرستید عجلتاً در ماده ۱۲ گفتگو میکنم (ماده ۱۲ از پیشنهاد جدید کمیسیون ببارت ذیل قرائت شد) شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزاً یا کلاً بنحوی از انحاء به تیمه خارج انتقال دهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی و نیز شرکت حق ندارد که اتباع خارجه را در این امتیاز شرکت بدهد مگر با اجازه دولت و بنامه قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با امضاء دولت خواهد رسید

**لسان الحکماء** - پیشنهاد بنده که در جلسه قبل قابل توجه شد در دو جمله اینها بود یکی راجع بانقلاب به تیمه خارجه یکی راجع بشرکت بانبه خارجه بود اینجا این را تغییر داده اند بنده پیشنهاد کردم که هر دو با اجازه مجلس باشد و یکی دیگر در جمله آخرش خیلی در جزئیات داخل شده البته بموجب نظامنامه شرکت بایستی تعهد شود و آن مطالب و نظامنامه لازم نیست که در قانون نوشته البته مخصوصاً هر کس داخل شرکت شد مطیع نظامنامه داخلی میشود این است که بنده پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم

**رئیس** - آقای لواء الدوله هم همین پیشنهاد را کرده اند

**افتخار الواعظین** - پیشنهاد حضرت والا که در کمیسیون قرائت شد فقط در مقام انتقال اجازه دولت را حذف کرده بود حالا از خاطر مبارکشان رفته باشد نمیدانم مفاد پیشنهادشان این بود که شرکت مزبور مطلقاً حق انتقال به تیمه خارجه را ندارد

دیگر با اجازه دولت داشت نه با اجازه مجلس یکی دیگر از آقایان پیشنهاد کرده بودند که حق انتقال ندارد دیگر با اجازه دولت مبدل شود با اجازه مجلس شورای ملی این دو مسئله است یکی مسئله انتقال است که شرکت این امتیاز را واگذار نکنند تیمه خارجه این را مانور شده ایم ابداً حق ندارد واگذار کند مگر با اجازه مجلس شورای ملی تا مجلس رأی ندهد و تصویب نکنند حق انتقال ندارد اما در باب شرکت بانبه خارجه بنده مکرر عرض کردم حالا هم عرض میکنم که مال شرکت خارجه نباید استیضاح داشته باشیم در صورتیکه برای ما فایده داشته باشد یعنی دولت که در جریان امور دخالت دارد و ضرر و نفع عمومی را کلاً در نظر دارد اگر یک شرکت بانبه خارجه را دولت تجویز و تصویب بکند بگوید برای شما این شرکت نفع است و ضرر است اینجا ما باید استیضاح بکنیم که خیر این نفع نیست و ضرر است و در شرکت را ما بروی همه بیندیم که خیر ما شرکت نمی کنیم بانبه خارجه و معلوم است این ماسکت را باید بدست دیگران آباد کرد تا بول دیگران وارد مملکت نشود منتها یک قسمی ما اینجا گفته ایم که اگر آن قید آقایان در نظر داشته باشند

گویا بنده را رد نخواهند کرد و آن با اجازه دولت است و در صورتی که آن تیمه خارجه متعهد شود که من شرایط نظامنامه داخلی این شرکت را قبول میکنم و همینکه شرایط نظامنامه داخلی را قبول کرده میشود مثل یکی از اعضاء داخلی و شرکت اوضرد نخواهد داشت بلکه نفع خواهد داشت

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود (از طرف لسان الحکماء ببارت ذیل قرائت شد) شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزاً یا کلاً بنحوی از انحاء به تیمه خارجه انتقال دهد یا اینکه اتباع خارجه را شریک نماید مگر با اجازه مجلس شورای ملی

(از طرف لواء الدوله ببارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازده بطریق ذیل اصلاح شود: شرکت حق ندارد که این امتیاز را جزاً و کلاً بنحوی از انحاء به تیمه خارجه انتقال دهد و یا تیمه خارجه را در این امتیاز شرکت دهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی الی آخر

(از طرف حاج سید ابراهیم ببارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲ چنین نوشته شود: شرکت حق ندارد که این امتیاز را کلاً یا جزاً بنحوی از انحاء به تیمه خارجه انتقال یا رهن بدهد یا شرکت نماید

**حاج سید ابراهیم** - چون انتقال شامل رهن گذاشتن و مداخله بانقلاب ممکن نبود بنده

پیشنهاد کردم که نه انتقال بدهد و نه رهن بگذاریم که خوب تصریح شود و معلوم است که ما باید امتیازات داخلی را که مادالعمیر داخلی را بهر نحویکه باشد محکم کنیم که مادالعمیر بدانند اساس امتیاز محکم است که این مملکت را آباد کنند و باید انتقال و رهن و هر قسم مداخله را ممنوع بداریم

پیشنهاد کردم که نه انتقال بدهد و نه رهن بگذاریم که خوب تصریح شود و معلوم است که ما باید امتیازات داخلی را که مادالعمیر داخلی را بهر نحویکه باشد محکم کنیم که مادالعمیر بدانند اساس امتیاز محکم است که این مملکت را آباد کنند و باید انتقال و رهن و هر قسم مداخله را ممنوع بداریم

**رئیس** - کمیسیون این اصلاح را قبول میکند یا خیر

**افتخار الواعظین** - کمیسیون گمان میکند وقتیکه نوشته شود بنحوی از انحاء انتقال و وثیقه و رهن تمام را شامل است و اگر رهن را بنویسد وثیقه را هم باید نوشت

**حاج سید ابراهیم** - لفظ وثیقه را بنده قبول دارم (مجدداً ماده ۱۲ با اصلاحات ببارت ذیل قرائت میشود)

شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزاً یا کلاً بنحوی از انحاء به تیمه خارجه انتقال دهد و یا رهن و وثیقه بگذارد مگر با اجازه مجلس شورای ملی و نیز شرکت حق ندارد که اتباع خارجه را در این امتیاز شرکت بدهد مگر با اجازه دولت و بنامه قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با امضای دولت خواهد رسید

**لسان الحکماء** - بنده توضیح دارم مخصوصاً عرض کردم که این جمله آخر لازم نیست مگر این که مقصود از اجازه مجلس مؤسسان این شرکت است و مقصود از این قانون آن هیئت مؤسسه است نه هر کس که یک سهم پنج تومانی بخرد

**لواء الدوله** - عرض کنم کلبه امتیازات از روی قوانین اساسی باید بتصویب مجلس برسد و این که آقای مخبر فرمودند نباید از شرکت خارجه ترسید ایشان نمیترسند بنده مترسم مثل این که یک بچه بتل سیاهی لاله اش بود گریه میکرد لاله اش نوازش میکرد که از چه میترسی گفتند این از تو بیشتر میترسد نقلاً بنده از لاله مترسم بنده عرض میکنم باید کلیتاً این شرکت مال ایرانی باشد که ایرانیست هم معفق باشد که بدون شک و شبهه ایرانی که اگر معفق نباشد همراه نیستیم

**رئیس** - مجدداً اصلاح آقای لسان الحکماء قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد) **رئیس** - کمیسیون قبول دارد یا خیر؟ **افتخار الواعظین** - کمیسیون انتقال را با اجازه مجلس قبول میکند یا رهن و وثیقه ولی شرکت را قبول نمیکند با اجازه مجلس باشد

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقای لسان الحکماء آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (جمع) قیام نمودند

**رئیس** - مساری شد از ۳۷-۷۴ فقر رأی دادند - ماده ۱۲ قرائت میشود (ماده مزبور ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - بعد از انقضای مدت این امتیاز خط سیم مزبور بهر نقطه که کشید، باشد با تمام متعلقات آن مجاناً بدولت علیه واگذار میشود.

**رئیس** - مخالفی نیست **هشترودی** این جا مشروح نوشته است که

چه بدولت واگذار میکند آن زمینهای باز که از دولت گرفت قیمتش را میدهد و از دیگران که خریدار میشود خوب است تمام متعلقات تصریح شود

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بنده ۱۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اقلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ماده ۱۴ قرائت میشود (ماده مزبور ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - پس از انقضای مدت این امتیاز در صورتیکه دولت بخواهد این خط سیم را دیگری واگذار نماید با تساری شروط این شرکت حق تقدم خواهد داشت

**حاج شیخ علی** - این ماده بی فایده است بدلیل آن که بعد از این که مدت منقضی شد بدولت واگذار کرد مال دولت است دیگر چیزی باقی نمانده است که حق تقدم داشته باشد دولت اگر خواست باو میدهد و نخواست نمی دهد یک چیزی در مقابل نیست که حق تقدم داشته باشد

**حاج عز الممالک** - این یک چیز واضحی است بنده تعجب میکنم که چرا آقای حاج شیخی مخالفت فرمودند و بنده نمیتوانم توضیح بدهم البته در صورت تساوی شروط حق او است دیگر توضیح ندارد

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اقلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۵ قرائت میشود (ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - هر گاه شرکت مزبور از تاریخ امضاء این امتیاز نامه الی مدت ۳ سال سیم نقاله را دایره نمایند این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مگر اینکه علت تأخیر بواسطه موانع فوق العاده فراهم شده باشد

**حاج شیخ اسدالله** - این قیدی که اینجا کرده اند بسا هست اسباب اشکال شود برای اینکه یک مدتی که معین شد باید یک وقت معین فاطمی باشد که در آن وقت هیچ گفتگویی نداشته باشد این تأخیری که بواسطه موانع فوق العاده نوشته اند این فوق العاده یک لفظی است در این که معنایش اگر تصریح نشود خیلی چیزها میشود از معنای موانع فوق العاده استنباط کرد یکی این است که شاید مجال نکرده باشد سیم را بکشد یا نا امنی راه باشد خیلی معنایی دارد بنده عقیده ام این است که این موانع فوق العاده را بردارند و وقت معینی برایش قرار بدهند که بعد از سه سال مثلاً اگر سیم را نکشید دیگر حق نداشته باشد قانون باید زبان دار و قاطع باشد

**معین الرعایا** - گمان میکنم که این ماد خیلی خوب باشد اولاً نوشته شده در ظرف سه سال اگر دایره نمایند یعنی تمام نشود و آن موانع فوق العاده ممکن است که یک موانعی بیش بیاید و یک اسباب لازمی باشد که تا شش ماه نتوانند تا اینجا بیاورند مانع دیگری که واقعاً جلوگیری کند و معلوم است

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه بترتیبی که قرائت شد - آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (جمع) قیام نمودند

**رئیس** - تصویب نشد **بهجت** - بنده بخلاف ماشین آلات پیشنهاد میکنم مجدداً ماده ۷ با حذف کلمه ماشین آلات ببارت ذیل قرائت شد

که وزارت فوائد عامه معین خواهد کرد موانع را و مسلماً این کارخانه دایر میشود

**حاج آقا** - بنده یک جمله دیگر را باین ماده لازم میدانم که افزوده شود بواسطه این که با همراهی تمهیداتی که میکنم در این امتیازات بجهت این است که کارخانه قند سازی راه بیفتد والا باین امتیاز سیم کشی همراه نبودیم از این جهت بنده لازم میدانم که اگر این ماده را اینطور بنویسیم بهتر است - هر گاه شرکت مزبور از تاریخ این امتیاز سیم را دایره ننمایند و یا کارخانه قند سازی را نمیتواند آخیر که با آن شرط باشد ما اگر فرض میکردیم آن کارخانه راه نمی افتد و این شرکت مشغول حمل و نقل میشود باین سیم ابداً ما حاضر نبودیم برای کشیدن این سیم و پیشنهاد هم کرده ام

**افتخار الواعظین** - در این باب همین مقصود آقای حاج آقا را خیلی واضعتر و روشنتر کمیسیون پیشنهاد کرده است آن ماده را مقرر فرمایید نخواهد که معلوم شود و ساده است که از طرف کمیسیون مجدداً پیشنهاد شده یکی بعنوان ماده ۷ که رأی گرفتیم و یک ماده دیگر در آخر بعنوان ماده الحاقیه هم راجع بکارخانه قند سازی است نوشته شده است مقصود آقای حاج آقا بخوبی در آن ماد حاصل شود

**رئیس** - تفاوت نمیکند اگر مقصود همان است که همین جا نوشته میشود فرقی نمیکند دیگر اینکه بنده از همه این پیشنهادها بر نیامیم زیرا ۴ و ۵ پیشنهاد شده است خوب است اینها را خودتان بگریه و ترتیب بدهید تا رأی بگیریم عجلتاً یک ربع تفنگ است در اینصورت تمس شده - مجدداً جلسه تشکیل گردید

**رئیس** - ماده ۷ الحاقی است که در تانهای از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است قرائت میشود (ماده مزبور ببارت ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی که از برای مصارف سوخت کارخانجات و ماشین آلات که در طهران و اطراف طهران فعلاً دایره است یا بعد از این دایره خواهد شد از روی موازین علمی از طرف دولت معین و تشخیص داده شود بطور اشتیاق خرج بعد از وضع سهم استهلاک سرمایه و سایر مخارج ببلایه ده یک فایده خالص بفروش میرساند

**رئیس** - مخالفی هست در این باب **آقامیرزا ابراهیم خان** - بنده با حکمه ماشین آلات بعد از کارخانجات مخالفم زیرا ممکن است که ماشین خط آهن را هم بگویند و باین کله خط آهن هم داخل شود و بگویند ذغال را باو باید ارزان تر بفروشد

**افتخار الواعظین** - همین جتی هم که ماشین آلات شامل خط آهن هم میشود کله ماشین آلات نوشته شده است

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه بترتیبی که قرائت شد - آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (جمع) قیام نمودند

**رئیس** - تصویب نشد **بهجت** - بنده بخلاف ماشین آلات پیشنهاد میکنم مجدداً ماده ۷ با حذف کلمه ماشین آلات ببارت ذیل قرائت شد

**رئیس** - مخالفی نیست **هشترودی** این جا مشروح نوشته است که

ماده ۷ - شرکت متعهد میشود که هر مقدار ذغال سنگی را که از برای مصارف سوخت کارخانجات که در طهران و اطراف طهران فعلا دایر است یا بعد از این دایر خواهد شد و از روی موازین علمی از طرف دولت معین و تشخیص داده میشود بطور اشتباه بعد از وضع سهم استهلاك سرمایه و سایر مخارج علاوه ده يك فایده خالص بفرش هم رساند.

**رئیس -** آقایانیکه این ماده را با همین اصلاح تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۱۲

ماده ۱۲ بجاوت ذیل قرائت شد:

شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزئاً یا کلاً بحدوی از انحصار بقیه خارج انتقال دهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی و نیز شرکت حق ندارد که امتیاز خارج را در این امتیاز شرکت بدهد مگر با اجازه دولت و با تعهد قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با مصافی دولت خواهد رسید.

**حاج شیخ الرئیس -** همینطور که مذاکره شد البته اصل امتیاز را این شرکت نمیتواند انتقال بدهد مگر با اجازه مجلس شورای ملی ولی چون ترتیب این شرکت را همه میدانند که سهامی است یعنی اوراقی چاپ میکنند و هر کس با شرایطی که مقرر است میتواند بخرد و صاحب آن سهام بشود و گاهی میشود انتقال فوری واقع بشود بیسگی از اتباع خارجه مثل اینکه کسی بید و وارثش تبعه خارجه باشد و ما هم نمیتوانیم او را شرعاً استثناء کنیم و بگوئیم که کسی از مال خودش محروم باشد یا اینکه اولاد و عیالش بی بهره باشند و اگر مجلس این را قبول میکند که معلوم بشود خوبست آقای مغیر توضیح بفرمایند که این فرض هم داخل این ماده است یا اینکه تخفیفی و تخصیصی دارد.

**معاون وزارت معارف -** در این قسمتی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند بخصوص در نظامنامه داخلی شرکت قید شده است چون این یک قرارداد است البته هر کس که تمیید این قرارداد را می کند از روی همان قرارداد معمول می شود ولی این راجع به نظامنامه داخلی است و قیدش در این جا لازم نیست.

**مهرین رعایا -** بنده تصور میکنم که آن ماده که ابتداء از کمیسیون نوشته شده بود بهتر بود اینجا بنویسد شرکت نباید این امتیاز را جزئاً یا کلاً بحدوی از انحصار بقیه خارج انتقال بدهد باید فرق آن جمله اول را با جمله آخر گذاشت مقصود کمیسیون این است که میگوید تمام شرکاء بکوفت اگر بخواهند تمام این شرکت را یا جزء از این را بخارجه واگذار نمایند نمیتوانند مگر با اجازه مجلس شورای ملی ولی بکوفت میشود که یکی از این سهامها را تبعه خارجه بخرد در اینصورت تصور میکنم که آن صحیح نباشد که با اجازه مجلس باشد بلکه همانطوری که در کمیسیون نوشته شد که با اجازه دولت باشد بهتر است اینکه خوانده شد مقصود این بوده است که چه جزء اول وجه جزء آخر تمام باید تصویب مجلس شورای ملی باشد و این گویا توضیح نباشد.

**افتخار الواعظین -** گویا وقتیکه ماده قرائت شد آقای مهرین رعایا توجه فرمودند نوشتیم

انتقال و اجازه و وثیقه و رهن با اجازه مجلس شورای ملی است ولی سهام را اگر بخواهند با اجازه دولت است و با اجازه مجلس نیست یک مرتبه دیگر خوانده شود (مجدداً ماده ۱۲ قرائت شد).

**رئیس -** گویا مذاکرات در این ماده کافی است (گفته شد کافی است).

**رئیس -** پیشنهادی است فرائت و رای گرفته می شود. (پیشنهاد آقای حاج آقا بضمون ذیل خوانده شد).

بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده پیشنهادی آقای لسان الحکماء افزوده شود و رای گرفته شود.

(تعمیر قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با مصافی دولت خواهد رسید.)

**حاج آقا -** بنده این عبارتی که در این ماده که از طرف کمیسیون نوشته شده است کافی میدانم و آن اصلاحیکه از طرف آقای لسان الحکماء شد چون آن پیشنهاد را رای گرفته و تکذیبش معلوم نشد و بعضی از آقایان بلا حظه آن جزء آخر را ندادند و اگر آن جزء بود بقیه رای میدادند از اینجهه بنده آن جزء را اضافه کردم و چون بلا تکلیف ماند اینستکه باید دوباره در همان رای گرفت.

**افتخار الواعظین -** این پیشنهاد آقای لسان الحکماء در کمیسیون تأیید قرائت شد و کمیسیون پذیرفت بجهت آنکه گفتند شاید دو نفر سه نفر از مردمان عالم را لازم بدانند برای پیشرفت امور خودش چندتا از سهام شرکت را بآنها بفروشد برای اینکه از علم آنها استفاده کنند نمیتواند که برای این مسئله بیاید از مجلس اجازه بخواهد و علاوه بر این مجلس در عملیات وارد نیست و هیئت دولت وارد در عملیات یک وقتی ممکن است مجلس شورای ملی شرکت کسی را تصویب کند و مضر به حال ملک باشد و برعکس هیئت دولت بعضی اوقات ممکن است که شرکت بعضی را تصویب بکند که منفعت داشته باشد پس بنظر دولت واگذار میکنیم که داخل در عملیات است و ضرر و فایده را بهتر میدانند و دولت شرکت هر یک از اتباع خارجه را اگر تصویب کرد میتواند سهام بفروشد والا نمی تواند بفروشد.

**رئیس -** اصلاح آقای لسان الحکماء و آقای حاج آقا خوانده میشود و رای میکنیم. (مجدداً اصلاح آقای حاج آقا قرائت شد)

**رئیس -** رای میکنیم بقبول توجیه بودن این اصلاح آقای حاج آقا - آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد).

**رئیس -** رد شد - حالا ماده ۱۲ با اصلاح خوانده میشود و رای میکنیم.

(ماده ۱۲ مجدداً خوانده شد)

**رئیس -** آقایانیکه ماده ۱۲ را به همین ترتیب که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**وئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده (۱۵)

(ماده ۱۵ بجاوت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - هرگاه شرکت مزبور از تاریخ انقضای این امتیازنامه تا مدت سه سال بدون عذر موجه و موانع فوق العاده که وزارت فرمایشنامه صحت

آنرا تصدیق نماید سیم تقاله و کارخانه قند سازی را دائرنماید این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

**رئیس -** مخالفی نیست.

**حاج امام جمعه -** تصور میکنم که این معنی هیئتقدر دلالت دارد که اگر در این سه سال دائر نکرد این راه و این کارخانه را حق نداشته باشد امتیاز را ببرد اما اگر دائر کرد و بعد کارخانه را از کار انداخت آنرا دلالت نمیکند باید طوری نوشت که هر دو را دلالت کند.

**رئیس -** يك ماده العاقبه نوشته شده است راجع باین مطلب است برای اطلاع خواننده میشود (ماده ۱۶ العاقبه بجاوت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ هرگاه در ظرف مدت این امتیاز شرکت مزبوره از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت.

**آقا سید حسن مدرس -** یا تمام سهام بخارجه انتقال نماید.

**رئیس -** پیشنهاد بنمایند.

**افتخار الواعظین -** گویا آقای مدرس در ماده قبل توجه فرمودند که در ماده قبل گفتیم که شرکت حق ندارد این امتیاز را جزئاً او کلاً بخرنوی از انحصار بقیه خارج رهن یا وثیقه یا انتقال نباشد و شامل فرمایش حضرت آقا است **رئیس** بکمرتبه دیگر ماده (۱۵) خوانده میشود و رای میکنیم (مجدداً قرائت شد)

**رئیس** رای میکنیم بماده ۱۵ آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد ماده ۱۶ العاقبه خوانده میشود (مجدداً قرائت شد)

**مهرز الملك -** بنده معنی این ماده را درست نفهمیدم اولاً امتیاز معنیش انحصار نیست و بنویسد اگر فلان کار را نکنند این امتیاز تبدیل با اجازه خواهد شد معنی این را درست نمی فهمم اگر امتیاز است و معنی (کنسیون) که انحصار نیست و اگر غیر مقصود (مونویل) و انحصار است که خوب است بفرمایند معلوم شود و الا این عبارت را بنظر صحیح نیست.

اینست تعطیل شدن این امتیاز پائین ترتیبی که اینجا نوشته شده است بدل با اجازه میشود یعنی آنوقت کسی دیگر یا شرکت دیگری حق ندارد بپایه بملوی این سیم يك خطی تأسیس بکند ولی تمام این امتیازاتی که برای این کارخانه و شرکت است از قیمت ذغال و معافیت از تأدیبه حقوق گمرکی و چیزهای دیگر که مساعدت با او کرده ایم برایش باالطبیعه هست و آن تخصیصات را دارد و حال اینکه ما میخواهیم باقی باشد از اینجهه بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود در اینصورت این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است و آنوقت اگر دولت بخواهد يك ترتیب دیگری با آن شرکت میدهد و بدل میشود با اجازه نه اینکه از حالا این ترتیب را معین کرده باشیم.

**حاج امام جمعه -** بنده هم همین را میخواستم بگویم که گفتند.

**بجهت -** فرض بفرمایند که مانعی برای این کارخانه پیدا شد و کارخانه بسته شد در اینصورت ما کنایه این سیمها را پاره پاره بکنیم و دور بریزیم و معنی این که این امتیاز ساقط باشد این است که ما این سیمها را پاره بکنیم و دور بریزیم این دستگاه را بهم بزنند بدیهی است که این در چنین صورتی اجازه خواهد بود و مردم اگر از راه دیگر میتوانند ذغال را بیآورند اوزان بفروشند که قوت آنرا بیآورند والا این چه ضرری برای دولت خواهد داشت که يك سیمی در بیابان برای حمل و نقل ذغال کشیده باشد بدیهی است وقتی مالین رهايت را با او می کنیم که کارخانه قند سازی را دائر داشته باشد والا اگر آنرا از کار انداخت دیگر آن انحصار بر داشته میشود و اجازه میشود آنوقت اگر سیم کشی فائده دارد که میروند دیگران با مال هم فراهم میکنند والا اگر این کارخانه بسته شود و بروند سیم را جمع کنند چه فائده بشما خواهد رسید که این امتیاز را باطل کنیم **مهرز الملك -** اینجا دوسه مطلب است اولاً اساساً بنده نمیدانم حمل ذغال سنگ چه ربطی دارد به کارخانه قند سازی ولی حالا که میخواهید مربوط بکنید این مسئله را بهمیدر اولاً میگویند که تمام این مساعدتها را کرده ایم برای سیم کشی و از برای حمل ذغال که کارخانه قند دائر شود خوب است اگر مقصودشان این است باید ماده را طوری نوشت که آن مقصود حاصل شود یکی از شرایط بر قرائت امتیاز همان شرایط قند سازی را قرار بدهیم که اگر تا سه سال دائر نشود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است والا اگر بگوئیم این امتیاز بعد از سه سال تبدیل با اجازه خواهد شد ممکن است مورد اشکال و مباحثه شود پس باید این ماده را طوری بنویسد که مربوط بهم باشد که اگر این سه سال این کارخانه را نسازند این از درجه اعتبار ساقط است نه اینکه بنویسد در ظرف سه سال اگر کارخانه قند تأسیس نشد این امتیاز بدل با اجازه خواهد شد.

**معاون وزارت معارف -** اینجا در مسئله امتیاز و انحصار بنده می بینم کفخی تردید است خوب است دو کلمه عرض کنم که بلکه این تردیدات برداشته شود امتیاز یعنی (کنسیون) انحصار یعنی (مونویل) و البته این امتیاز که اینجا داده میشود (مونویل) نیست و الا هیچکس جز این

کمیانی حق نداشت در این ملک يك خط دیگر بسازد و لکن این امتیاز در حد خودش معین در همان نقطه که باو داده شده البته امتیاز انحصاری است و کسی دیگر حق ندارد و نمیتواند سیم بکشد ولی در جاهای دیگر و از برای اطراف طهران و برای ایران انحصار نیست و کسان دیگر میتواند که در جاهای دیگر یا از اطراف تهران از خطوط دیگری که راه هست سیم بکشند و دیگر این مساعدتها که میشود برای این شرکت و این امتیاز که دولت باو میدهد برای این است که کمک و مساعدت غیر مستقیمی باین کارخانه شده باشد البته هر دولتی که میخواهد این تأسیسات بشود باید کمکی بکنند در این جور اقدامات تجارتي که زیاد بشود و رواج بشود و خیلی هم صحیح است و بنظر هم خیلی خوب بیاید که این يك مساعدتی بشود از طرف دولت و البته صرفه همه در او هست و يك مساعدت غیر مستقیمی هم شده است حالا چیزی که هست اینست که آقایان میل دارند معلوم بکنند که اگر شریعت قند سازی دائر نشد پائین کارخانه خدای نکرده از میان رفت آنوقت حال این چه خواهد شد آنوقت میشود گفت که آن حال انحصاری که در خط خودش دارد با تعطیل این کارخانه مرتفع میشود و گمان میکنم که ایرادی نداشته باشد و البته در این صورت هم آن شرایط ساخت هم تا يك اندازه از میان خواهد رفت ولی مادامی که این کارخانه هست البته این امتیاز در این استمداد برای شرکت هست و محل تردید نیست.

**رئیس -** گویا مذاکرات کافی باشد دو فقره اصلاح است قرائت میشود.

(پیشنهاد از طرف آقای حاج آقا بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر این ماده بعضی جمله (این امتیاز بدل با اجازه میشود نوشته شود این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود)

**رئیس** اگر توضیحی دارید بفرمایند.

**حاج آقا** بنده تمجیب میکنم که آقایان بفرمایند که بکلی چیزی مساعدت نشده و یا معنی اینکه این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است این باشد که بکلی این سیمها را پاره بکنیم و برداریم شما ملاحظه می کنید که این موادی که ما تصویب کرده ایم و نوشته ایم مثلا در این مواد به بییند چه نوشته ایم مساعدت کرده ایم یا نکرده ایم تمام اشیاء سیم کشی و استخراج ذغال که بیآورند از کمربند معافند و همچنین اراضی که برای یا بیهای جرح لازم است قرار بدهند و چه اراضی که بخواهند جای اعضاء را درست کنند آنها را هم باید دولت واگذار کند علاوه بر این از عایدات حمل مسافرینی که وارد میکنند نوشته ایم فقط صدی ده از خالصش شرکت بدولت بدهد تمام این مساعدت ها برای ترتیب کارخانه است و اگر کارخانه خوب بدهد ضرر دارد که صدی سی و صدی بیست صدی پنجده برای دولت فایده داشته باشد از حالا که بنویسیم اینطور مساعدتها شود حتی برای دولت قرار بدهیم از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که آن لفظ بدل با اجازه میشود بر داشته شود و نوشته شود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است و آنوقت کمیانی با دولت يك تکلیفی دارد که دولت منافع

خودش را ملاحظه میکند و صاحب سیم هم ملاحظه منافع خودش را میکند که هم ملاحظه منافع دولت شده باشد شاید هم بهین ترتیب اجازه شود و بنده عرض میکنم که مقدرات آتیه را ما باید بآن چیزی که حالا در نظر داریم رای بدهیم از این جهت باید نوشته شود این امتیاز بکلی از درجه اعتبار ساقط است نسبی تواند بگذارد قبول نمی کند.

**رئیس -** کمیسیون قبول ندارد.

**افتخار الواعظین -** کمیسیون فرقی بین اینستکه این صورت اجازه پیدا خواهد کرد یا از درجه اعتبار ساقط است نسبی تواند بگذارد قبول نمی کند.

**رئیس -** رای میکنیم در مقابل توجیه بودن اصلاح حاج آقا آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد اصلاح آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود (اصلاح مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف این امتیاز شرکت مزبوره از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید باید قرارداد جدیدی در وقت ذغال با دولت بدهد.

**رئیس** معیر قبول دارید این را.

**افتخار الواعظین -** این و بنده قبول میکنم صحیح است اگر چنانچه بکلی بخواهد کارخانه را تعطیل نمایند و منصرف شوند در وقت ذغال که سه تومان و پنجاهزار بفروشد یا قسمت دیگر باید قرارداد جدیدی بدهد بنده این را قبول میکنم بعداً صورت اجازه پیدا خواهد کرد این عبارت نوشته شود.

**رئیس -** مجدداً پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود. (مجدداً قرائت شد)

**دکتر سعید الاطباء -** اولاً گمان نمیکند که اینطور باشد قیمت ذغال که نوشته شده صحیح است ولی مخصوصاً باید نوشته شود که این امتیاز صورت اجازه پیدا خواهد کرد کله اجازه باید در ضمن نوشته شود.

**افتخار الواعظین -** بعد از آن کلمه در پیشنهادم نوشته شود این امتیاز صورت اجازه پیدا خواهد کرد و بعد از آنهم دولت قرار مجدد در خصوص ذغال خواهد داد.

**رئیس -** پیشنهاد آقا میرزا ابراهیم خان با اصلاح خوانده میشود.

(پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - هرگاه در ظرف این امتیاز شرکت مزبوره از دائر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت در آن تاریخ این امتیاز باطل و این تخصیصات انقضایه شرکت سیم تقاله باید قرار داد جدیدی در قیمت ذغال با دولت بدهد **رئیس** - رای میکنیم بماده ۱۶ به همین ترتیب که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد - ماده العاقبه از طرف آقای ادیب التجار خوانده میشود (ماده العاقبه بضمون ذیل خوانده شد)

بنده این ماده را بعنوان ماده الحاقیه تقدیم می کنم .

ماده الحاقیه - آنچه ذفال در مدت امتیاز در ظرف سال برای ادارات دولتی و مدارس دولتی و مرخصخانه های دولت لازم میشود شرکت باید از قرار صدی پنجاه از قیمت فروش معمولی تخفیف بدهد

**ادب التجار** - يك پیشنهادی دارم به آقای مخبر کبیسون چون آقای رئیس فرموده بودند که باید بآنها داده شود یکصدری هم اوقاتشان تلخ بود از زیادی پیشنهاد ها و حق هم داشتند ولی بنده پیشنهاد ها هم را از جلسه قبل حاضر کرده بودم و مورد بی مرحمتی حضرت رئیس شدم و با آتش دیگران سوختم و این پیشنهادی را که کردم این را تبدیل میکنم . به آن پیشنهادی که نزد رئیس کمیسیون است و آن این است که آنچه ذفال بجهة دواير دولتی و عموم مرخصخانه و عموم مدارس در این بخت لازم است باید بجهت سوخت کارخانجات که دوامه هفتم قید شده است بهمان قیمت قید کنند گمان میکنم که خود اداره شرکت هم در این خصوص ضدیت نفرمایند و آقای مخبر کمیسیون هم از آن جائیکه میلت با سودگی مدارس و ترقی حال مقیمین دارالمرضاها را طرف توجه قرار خواهند داد بخصوص اطفال طهران قبول میکنند این پیشنهاد را که محتاج برای مجلس نباشد و اگر چه مجلس هم آئی خواهند داد و امیدوارم موافقت بکنند و اگر بگویند که برای شرکت اسباب يك تعمیلی واق میشود توضیحی دارم و عرض میکنم که احتمال دارد سال اول و دوم تا صد هزار خسروار ذفال وارد طهران بشود و چون در عمل تجارت کمتر از سایرین نیست عرض میکنم بجهة شرکت اینقدر هانمقت میکنند که این مسراها را نکند زیرا امروز توضیح داده که میاید بیاد بخت و این سیم نقاله که کشیده میشود احتمال دارد که سهولت پیدا کند و صد هزار خسروار کمتر از اینها نشود که عرض کردم و اینها حمل بر افران نشود برای توسیع ادارات دولتی و ترفیه حال ادارات تا چهار سال دیگر که گمان میکنم که هم جمعیت اینجا زیاد بشود و گمان می کنم که مداخل کمپانی هم از صد هزارها زیاد شود و ما می خواهیم زیاد ترقی بکنند کمپانی و عرض کردم بصرف ادارات دولتی علیه و مدارس و مرخصخانه ها برسد و گمان میکنم که کمیسیون این را قبول بکنند و امیدوارم مضایقه نفرمایند

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید

**افتخار الواعظین** - بدبختانه وقتی در کمیسیون صحبت کردم کمیسیون پیشنهاد آقای ادب التجار را قبول نکردند بجهة اینکه چیزهایی که راجع با مردم غیریه باشد شرکت نخواهد ارزان بفرود این را بفرود شرکت و امیدوارم و البته خودش اینکار را خواهند کرد

**رئیس** - رای می گیرم در مقابل توجه بودن این ماده الحاقیه آقای ادب التجار آقایانی که قابل توجه می دانم قیام نمایند ( کسی قیام نکرد )

**رئیس** - قابل توجه نشد - شور در این مواد ختم شد - حالا مذاکره در کلیات است

**حاج سید ابراهیم** - در ماده دو که گذشت

قرار دادیم که شرکت می تواند سیهرا بخارو ورامین برای حمل چندین امتداد بدهد و نوشتیم از اوشان که هر يك تا تهران خواهد کشید و از کهریزك تا ورامین هم کشیده خواهد شد بعد از آن ماده در ماده هفت که تصویب حمل اجناس و مسافرین هم با داده شد یعنی حق داشته باشد اجناس و مسافرین را حمل و نقل بکنند بتوسط این سیم و البته حمل و نقل اینها کرایه او کمتر از کرایه معمولی خواهد بود و فایده فوق العاده است برای تجارت پس عقیده بنده اینست که يك تربیتی هم برای میزان کرایه اجناس مسافرین هم باید داد یعنی همان طوریکه در مورد حمل ذفال در ده سال اول گفتیم که ۳ تومان و پنجاهار بفرود و برای او کمتر تمام میشود اینجا هم بنده پیشنهادی کرده ام که راجع بماده ( ۷ ) بود که میزان کرایه حمل و نقل ذفال و مسافرین معین بشود و بجهتی که مکاری می گیرد نکیرد کمتر بگیرد .

**آرباب کبخسرو** - بقیه است جواب مطلب آقای حاج سید ابراهیم را مخبر محترم خواهند داد آنچه بنده خواستم عرض کنم این است که چون بنده یا خوشبختانه یا متأسفانه داخل در این شرکت بودم از جواب دادن بعضی اعتراضات معذور بودم ولی حاله در کلیات بعضی رفع تشویش افغان که میاید تصور کنند يك هیئتی آمده اند حقوق ملترا یا مال و منافع عمومی را منحصر بفرود نمایند عرض میکنم این هیئتی که تشکیل یافته است نظر و قصد اساسی آن رفع حوائج ملت و خدمت بملکت است و بهمان نظر بنده در این از طرف این شرکت متعهدمیشوم که بعد از آماده شدن کار این شرکت اوراق سهام جزء بیرون کند تا هر يك از افراد ملت که بخواهند شرکت نمایند داخل شوند و سود و زیان آن را واجر بفرود افراد ملت باشد باز تکرار میکنم که قصد و نظر این شرکت حفظ منافع این مملکت و این ملت است هیچ قصدی برای خالی کردن کبیس مردم نداشته و ندارد در موقع آماده شدن کار از افراد ملت هر کس بخواهد خود را سهیم این شرکت نماید شرکت کاه حاله مضایقه ننموده ببنی پذیرند و امیدوارم در مقابل این مساعدت مجلس مقدس و دولت شرکاء بتوانند رضایت خاطر عموم و افراد آورند

**افتخار الواعظین** - در ماده دوم آقای حاج سید ابراهیم گویا از خاطرشان رفته است نوشته شده بود که در موقع لزوم اگر چنانچه شرکت لازم بداند يك دو محل را اسم برده بود که چندند را حمل نماید دیگر نوشته بود که حمل اجناس با مسافر هم بکنند و باز هم عرض می کنم که امتداد سیم اینجا ها فقط از برای حمل چندین خواهد بود و مسافر و بار حمل نخواهد کرد ( گفته شد رای بگیرد )

**رئیس** - پس مخالفی نیست

**آقامیرزا ابراهیم قهی** - بنده از آقای مخبر توضیح میخواهم ذفال سنگی که در ادارات دولتی و فرورخانه مصرف میشود حکم ماده ۷ را دارد یا اینکه پیشنهادی بکنم

**افتخار الواعظین** - مصارف ادارات دولتی همان در پیشنهاد آقای ادب التجار بود که رد شد

**رئیس** - رای میگیریم باین لایحه که مشتمل بر ۱۶ ماده است آقایانی که تصویب خواهند کرد ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه آبی خواهند داد .

( اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بقرار ذیل شماره نمودند ) ورقه سفید ( ۶۶ ) ورقه آبی ( ۷ )

**رئیس** - با اکثریت ( ۶۶ ) رای رایسورت کمیسیون فوائد عامه تصویب شد

**رئیس** - رایسورت کمیسیون بودجه راجع بطرح آقای ادب التجار قرائت میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )

طرح آقای ادب التجار شامل دو ماده که بکمیسیون بودجه رجوع شده بود در کمیسیون مطرح مذاکره گردید يك جلسه نیز هیئت وزراء عظام حضور داشتند در خصوص قطع حقوق اشخاصیکه برضد مشروطه علقام یا اقدام نموده اند مطابق ماده ذیل تصویب گردید در خصوص ماده دوم راجع بصلب شئونات و اینکه بندهام دولتی پذیرفته نشود چون هیئت وزراء عظام بعضی نظریات داشتند قرار شد مادامول تقدیم مجلس شده رماده دوم بعد از ملاحظات لازمه نایب پیشنهاد مجلس بشود

ماده اول - اشخاصیکه در تهران و سایر ولایات پس از هفتاد و شش ماه شمسی ۱۳۲۷ بصدیت مشروطه عملاً بعنوان مخالفین قیام یا اقدام کرده اند حقوق دیوانی آنها نقلاً و جنساً معطوع است

**رئیس** - مذاکره در شور اول این ماده است

**ادب التجار** - بنده بطاظر دارم که آن روزی که در این خصوص مذاکره میشد تقاضای فوریت این مسئله شد و تقریب ۳۰ نفر از نمایندگان هم آن تقاضا را امضاء نموده بودند و مجدداً بنده تقاضا میکنم که فوریت شور بشود

**رئیس** - پس اول رای می گیریم بفوریت این طرح آقای ادب التجار آقایانی که فوریت را تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** با اکثریت تصویب شد

**حاج آقا** - بنده این دو ماده را که از طرف آقای ادب التجار پیشنهاد شده است اساساً خیلی لازم می دانم بواسطه اینکه در حقیقت يك قانون مجازاتی است نوشته شده بجهة اشخاصی که برخلاف بلیک مملکت و دولت اقدام کرده و تمام بدبختی ها را هم از این میدانم که تا حالا مجازاتی در میان نبوده است که بواسطه اجرای آن جلوگیری از حرکات آنها شده باشد ولی میخواهم عرض بکنم که بکمیسیون که عنوان میشود ابتدا نباید در مقام قانون گذاری انسان بخطایات آن تقاطی را که در جمع يك قانون است فراموش کند و بهمان عنوان خطاباً رای بدهد آنچه در یک چیزی که ممکن است در دو روز دیگر اسباب ندامت و پشیمانی بشود و در موقع اجرا انسان را دچار اشکال و معذور بنماید چه بسا موادی که در یک مجلس در تحت مشاوره می آید در اول نظر خوب باشد ولی برای اینکه محل توجه عموم است می آیم يك خطایاتی در مورد تهدید و تحذیر داخل آن می کنیم و چندین ماده میگذاریم که اسباب این بشود دوسورتی که ممکن است بعد ها در مورد

بنوان قانونی اسبابهزاران اشکال بشود و هر کس هزار گونه از این عناوین مختلفه استفاده کند و یک طوری بشود که اسباب ندامت در آتی برای قانون گذار باشد و چون بنده این ماده قانون را از همان نمره مواد می دانم اینست که عرض می کنم این عبارتش اسباب استفاده اشخاص مختلف بعنوان مختلف است و بهمنجهت هم مخالف هستم چون اولش نوشته شده اشخاصیکه برضد دولت مشروطه عملاً بعنوان مخالفین قیام کرده باشند این عبارت عملاً و بعنوان مخالفین اقدام کرده باشند هر دو يك عنوانی است که بدست هر کس داده شود ممکن است بعنوان مخالفین اعمال افراض شخصی در مورد اجرای آن بکنند در صورتیکه قانون گذار مرادش از این عناوین مختلفه و عملاً اقدام کرده باشند يك قانون مخصوص کلی است حالا مرادش از عملاً هر چه بوده است و هست بآن کاری ندارم ولی در این عبارت که ( بعنوان مخالفین ) باشد بنده حرف دارم چون این بعنوان مخالفین اگر بدست يك کسی بیفتد که مصلح باشد یعنی بی غرض در اینصورت البته آن کسی را که مستحق مجازات است بحق مجازات میکنند ولی اگر بنا شود که اشخاصیکه مأمور اجرای این قانون هستند بخواهند بعنوان مخالفین را در حق هر کسی بافراض خودشان حمل بکنند به بنیم آبی کسی می تواند که در مورد غرض از این مرحله بیرون رود و می تواند خودش را مصون بدارد بنده عرض میکنم که نمیتواند و اشخاصی هم که این قانون را درست دارند مجبورند که اجرا بکنند و شاهد دارم افراضی را که سابقاً اعمال شده بود و ما فراموش میکنیم در موقع قانون گذاری چنانچه در موقع قطع حقوق که در هیئت مدیره شد دیدیم که تبعیض کردند یعنی بعضی ها را هیچ نداده اند و بعضی ها را تمام داده اند و بعضی دیگر را آن ترتیبات که شد و حالا نمیخواهم مفصلاً عرض کنم شاهد بنده همان است و از اینجهت موافق بآن پیشنهاد که آقای معزز الملک یادگیری در آن جلسه اول کردند که بنشینند تعیین کنند که اینها کجا بودند و حقوقشان قطع شود و ما اسباب اجرای افراض اشخاص نشده باشیم و يك قانونی بدهیم بدست مردم چه در تهران و چه در ولایات که بعنوان مخالفین دران نوشته شده باشد برای اینکه بنده آن وقت میتوانم با کسیکه غرض دارم هزار عنوان تهمت بزنم و او را بدست مأمورین دولت بیندازم که تو عملاً برضد دولت اقدام کرده پس این چیزی است که هزار هزار عناوین دارد و اگر در این قانون نوشته شود و همینطور این قانون را بفرود اجرائیه خودمان واگذار کنیم ممکن است بعد دچار خیلی اشکالات و معظورات بشویم که یکی از آن معظورها نقض غرض یعنی مصون بودن آن اشخاصیکه رفته اند و عملاً اقدام کرده اند برخلاف دولت و گرفتار شدن اشخاصیکه اقدامی نکرده اند باشد پس بنده ابتدا اینشده را باینطور تصویب نمیکنم و رای هم ندارم

**حاج عز الممالک** (مخبر کمیسیون بودجه) - اگر چه آقای حاج آقا همانطوریکه فرمودند با اساس اینشده موافق بودند ولی بدبختانه بعنوان مخالفین با این عناوین مختلفه مخالفت فرمودند اولاً عرض می کنم عدم مجازات باعث این شده است که واقماً هر موقعیکه در مملکت ما اسباب اختلال پیش می آید

همه با کمال جرئت برخلاف دولت اقدام میکنند و کسی نیست که در مقابل اقداماتشان بکمیسیون بدهد آن ها را و همین عدم مجازات باعث شده است که دولت همیشه دچار يك زحمت فوق العاده بوده است و اگر فلسفه این مطلب می پریم خواهیم دید که در فتح طهران اگر دولت جدید مخالفین را مجازات کاملی میکرد امروز دچار این معظورات نمیشدیم حالا داخل این مطلب نمیشویم چون این مسئله خیلی ماول خواهد کشید ولی این مطلب که آقای حاج آقا فرمودند و این مخالفتی را که بعنوان مخالفین کردند بقیه بنده میبایستی در مورد يك موادی شده باشد که خیلی از این ماده سخت تر بوده مثل قصاص و اعدام و اگر خوب ملاحظه شود خواهیم دید که در آن مواد ممکن بود این اشکالات و معظورات باشد و بعضی سوء اثرها پیدا شود ولی اینشده بکلی از این نوع خیالات بقمیده بنده دور است بجهة اینکه اولاً اینشده حقوق اشخاص را قطع میکند فرضاً که این حقوق بی جرح هم قطع شود چه خواهد شد برای اینکه اصل این حقوق معلوم نیست که چه موضوعی داشته است و ثانیاً هم این حقوق را ما با اشخاصی نمیتوانیم که بتوانند بخیالات خودشان هر کاری را که میخواهند بکنند تا بیوزراه خودشان کفوه مجرب هستند مسئول این کارند و این ماده بدست آنها داده میشود البته اینکار هارا باید خودشان بکنند و چنانچه وزراء درست رفتار نکردند اگر این مجلس هم نباشد مجلس دیگر می تواند از آنها سؤال و استیضاح نماید اگر برخلاف این قانون عمل کرده باشند و هر کس نمیتواند این ماده را باعث بیشرافت افراض و مقاصد شخصی خودش بداند مثلا امین ماله فلان محل نمیتواند بگوید که مواج فلان خان را نیدهم برای اینکه با اساس مشروطیت مخالفت کرده است این وظیفه وزیر است وزیر نمین خواهد کرد که حقوق چه اشخاصی باید قطع شود و این را خودشان تعیین میکنند و اینکه میگویند که اسامی این اشخاص خوب بود که در کمیسیون معین شود این مسئله هم در کمیسیون مذاکره شد چون باشکالاتی بر میخوریم که اصلاً ممکن نبود و اسباب موق شدن باصل این مطلب بود از این جهت کمیسیون ازین ترتیب صرف نظر کرده و حقیقتاً هم غیر ممکن بود و بنده تصور میکنم که کمیسیون و مجلس نمیتواند اشخاصی را که مخالفت کرده اند يك معین کند و مذاکره کنند بجهة اینکه ممکنست در مورد هر فردی از آنها بنده مخالفت بکنم و دیگری موافقت بکنم و بالاخره خیلی دچار اشکالات سخت تر بشویم خصوصاً که در موقع قانون گذاردن باید مجلس قانون را بطور کلی بنویسد اینجا نوشته شده است که اشخاصی که عملاً برضد مملکت قیام و اقدام کرده اند گمان میکنم با اعتقاد بنده هیچکس نمیتواند با اشخاصی که عملاً قیام و اقدام نکرده باشند بگویند که تو اقدام کرده برضد اساس مشروطیت بواسطه اینکه مملکت مشروطه است و با اعتقاد من تمام مردم حق دارند که ایفاء حق خودشان را بکنند يك چیزی هم نیست که کسی انکار بکنند و حق هیچکس تضییع نخواهد شد هر کس که بتعقیق رسید مستوجب مجازات است

دولت مطابق این قانون با او رفتار خواهد کرد یعنی در خود این ماده تصریح شده است که اشخاصی که برضد اساس مشروطیت عملاً قیام یا اقدام کرده اند پس این ماده با اعتقاد بنده آنقدر مطالب همیعی ندارد که ما در او انقدر دقت و جدیت بکنیم و بطور ساده است و این ماده که بگنود هیئت دولت بخوبی میتواند این اشخاص را تعیین بکنند برای اینکه اشخاصی که مخالفت کرده اند نمیشود گفت که معین هستند و از این راه هم يك منفعت کلی بیودجه خواهد رسید ولی تك تك گفتن بقیه دارم باین دوره تقنینیه نخواهد رسید مگر برای دوره آتی و در کمیسیون هم این مذاکره شد چون خیلی طول میکشد که اسامی يك يك را مطرح مذاکره قرار بدهند و در این دوره تقنینیه تمام نمیشد باین جهت بطور کلی قرار داده شد .

**افتخار الواعظین** - اینجا واقماً نوشتن اسامی اشخاص را بنده صحیح نمیدانم و بدبختانه شاید عدّه اسامیشان زیاد شود که باید در صنعات نوشته شود بلکه کتابها میخواهند برای نوشتن آن اسامی ولی همینقدر که نوشته شود برضد مشروطیت و حکومت ملی قیام و اقدام کرده باشند گنایت میکند و کلاً بعنوان مخالفین را زیاد میدانم همینقدر بنویسند که برضد مشروطیت و حکومت ملی قیام و اقدام کرده باشند این معلوم است یکی رفته است بیدان چنگ توب خالی کرده است يك کسی هم رفته است تفنگ خالی کرده است اما يك امین ماله فلانجا مالیات فلانجا را برداشته و داده است بسالارم الدوله دیگری هم فلان کار را کرده است اینها تمام در نظر دولت مبین و مبرهن است تصور میکنم همان عملاً قیام و اقدام کرده است کافی است و لفظ عناوین مختلفه سبب خواهد شد شاید خدای تقواسته هیئت دولت اگر چه در صدد نباشند ولی يك وقتی سوء استعمال بشود اگر بعنوان مخالفین برداشته شود بهتر است و با آقای حاج آقا موافقم .

**حاج شیخعلی** - بنده خیلی متأسف و متانم از نظرها اینکه آقایان نمایندگان میکنند و عناوین مختلفه را زائد میدانند و حال آنکه چیزی که لازم است باشد همین عناوین مختلفه است اشخاصی هستند که نه تفنگ برداشته اند و نه ماله جانی را برداشته اند و حقیقتاً هم بکنند يك انتریکیهای حکم کرده اند که از آنها تفنگ برداشته اند و رفته اند اینها لفظاً عمل کرده اند و آنها عملاً اقدام و قیام کرده اند آنوقت این اشخاصی که کارشان بدتر از آن اشخاصی است که عملاً اقدام کرده اند اینها را چه اسم میکنند لفظاً عمل کرده است و دیگر اینکه بنده میگویم چه سوء استعمال خواهد شد کسی را نخواهند گشت مال کسی را نخواهند ضبط کرد اینطور نیست بنده خیلی میل دارم که دولت سوء استعمال نکند و بعضی را قلنداد کند که حقوقشان قطع شود اولاً این حقوق مشروعی نبود حقوق بیجائی بود حقوق مسلمه خداداد نبود آنها بعنوان مخالفین ایشان گرفته اند ما هم بلفظ عناوین مختلفه از آنها پس میگیریم این يك چیزی نیست که آنقدر اشکالات داشته باشد قطع حقوق است در صورتیکه بودجه ما هم اجازه نمیدهد که بعضی پولهای بیجا را بدهیم يك اشخاصی که آنها

هم بعنوان مختلفه بعضی اقدامات بکنند ما هم بهمان عنوان مختلفه از آنها بگیریم یعنی دیگر نمیدانیم بنده نمیدانم از چه حیث است اشکالات آقایان نمایندگان اگر يك هتك شرفی بود یا اینکه يك بی گناهی را مجازات میکردند یا يك قصاص بود حدودی معین میکردیم آنوقت میگفتیم يك بیچاره گرفتار خواهد شد و این سوء استعمال میشود سوء استعمال این است که يك کسی يك پول بی جهت بيك کسی میدادحالا نمیزداند بدهداینکه سوء استعمال نیست بنده جهت این را نمی فهمم بيك مطلب دیگری که آقایان اظهار میدارند آن اینست مگر این قانون را بدست گیرید میباید که اجرا بکنند فرض کردیم اسم اشخاص را بیاورند اسم را میگویند باز دولت اسمی را پیشنهاد میکند ما اشخاصی که تمام برضد دولت اقدام کرده اند که نیشناسیم البته از طرف دولت یا عارف بعضی اشخاص آنوقت اصل کلاه در همان اشخاص خواهد شد و خواهند گفت که آن اشخاصی از طرف دولت تعیین میشود سوء استعمال کرده اند اول آنها مقصر نبوده اند آنوقت ما بطور تشخیص خواهیم داد این خبری که بهما رسیده است که فن شخص بر ضد دولت عمل کرده است شاید عمل نکرده باشد پس این قانون کالی است و سوتی که استعمال میشود همین حق خواهد بود

رای بزرگ بگورند سوء استعمال میشود همین قسمتی که آقای حاج آقا میفرمایند گویا فراموش کردند که خودشان در يك کلمه که کلمه معروف بفساد عقیده بود راجع بقانون انتخابات در چند روز قبل میفرمودند باید اینطور نوشته شود بنده عرض کردم این شاید بدست عوام بیفتد که نمیفهمد و سوء استعمال میکنند گفتند معروفیت کافی است و البته اشخاصی که دنسنا قیام کرده اند از مشاهیر هستند و معروفند مثل بنده که اینجا نشستم من نخواهم گفت تو اقدام کرده که میگویند اعمال غرض میشود گمان میکنم که این ایرادی ندارد بجهت این است که این قانون را بدست کسانی میدهند که اشخاص را معین میکنند که برضد حکومت ملی اقدام کرده اند و البته آنها اشخاصی هستند که شمشیر کشیده اند با گلوله زدند با عملا برخلاف دولت کوشیده اند اینها چیزی نیست که بتوانیم تشخیص بدهیم اینها را اگر مانع باشیم تشخیص بدهیم گویا خیلی از موضوعات عرفیه را هم نتوانیم تشخیص بدهیم

**رئیس** - گویا مذاکره کافی است (بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست)  
**رئیس** - رأی بگیریم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانیکه تصویب میکنند مذاکره کافی است قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد مجدداً قرائت میشود ولی دو فقره پیشنهاد شده است خوانده میشود (پیشنهاد هابهارت ذیل قرائت شد)

(۱) از طرف زنجانی - بنده تقاضا میکنم عرض لفظ عناوین مختلفه بهر عنوان نوشته شود.  
 (۲) از طرف میرالسلطان - این بنده پیشنهاد میکند که ماده اول طرح آقای ادیبالتجار منقسم شود مگر اینکه اعمال سابق خود را جبران و خدمتی عمده با اساس مشروطیت نمایند در اینصورت حقوق آنها مجدداً برقرار میشود.  
 (۳) از طرف ارباب کبخسرو - بنده پیشنهاد میکنم این جلسه بماند بعهده قطع حقوق مخالفین اساسی مشروطیت اضافه شود هیئت دولت در يك ماه بعد از تاریخ تصویب این ماده باید این قانون را بموقع اجرا گذارده صورت اسامی اشخاص منقطع الحقوق را در روزنامه رسمی درج کنند.

**رئیس** - آقای زنجانی توضیح دارید بفرمائید  
**آقای شایخ ابراهیم زنجانی** - لفظ عناوین مختلفه صحیح نیست یعنی یک نفر بعنوان مختلفه قیام کرده اند يك قدری اشکال دارد بنویسند بهر عنوان بهتر است.  
**رئیس** - کمیسیون چه میگوید - مخیر بنده قبول میکنم.  
**رئیس** - آقای میرالسلطان توضیح بدهید.  
**میرالسلطان** - بنده گمان میکنم توضیحی لازم نداشته باشد استماع دارم رأی بگیرید.  
**رئیس** - رأی بگیریم به پیشنهاد آقای میرالسلطان آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - رده آقای ارباب توضیحی دارید.  
**ارباب کبخسرو** - بنده توضیح يك قسمتی را داد و جمله اخیرش را توضیح میدهم اسامی اشخاصی که معین میشوند که حقوق آنها قطع شود در روزنامه

رسمی نوشته شود که همه مردم بدانند و خودشان هم بدانند که اشتباه نشود که حقوق سایر مردم را قطع کردند.  
**رئیس** - کمیسیون چه میگوید.  
**مخیر** - بنگاه کم است اگر سه ماه باشد بنده قبول میکنم.  
**ارباب کبخسرو** - سه ماه بکنید بنده سه ماه را قبول دارم.  
**رئیس** - تا مدت سه ماه را قبول دارید.  
**مخیر** - بنده قبول دارم.  
 (ماده ۱ با اصلاح مزبور و تبدیل لفظ مشروطه بحکومت ملی مجدداً قرائت شد)

**حاج سید ابراهیم** - مخصوصاً تمام این مطالب در کمیسیون مذاکره شد و لفظ حکومت برداشته شد مشروطه نوشته شد و مشروطه هم باید نوشته شود چون ما هم خورده ایم که بدولت و مملکت مشروطه همانطور که در قانون اساسی هم نوشته شده است حکومت ملی صحیح نبود نوشتیم اشخاصیکه بضد مشروطه بنده میبینم که با ماده دیگر خوانده میشود و اینکه میگویند اگر بندها کسی خدمتی با اساس مشروطیت نماید در اینصورت حقوق آنها برقرار میشود - بنده عرض میکنم اگر کسی پیدا شد که خدمتی کرد ممکن است که يك پیشنهادی بکنند بقیه بنده همانکه از کمیسیون گذشته است کسیکه بضد مشروطه اقدام کرده است صحیح است.

**حاج عز الممالک** - پیشنهادی بحکومت ملی نشد که من قبول بکنم بنده پیشنهاد ارباب را قبول کرده.  
**رئیس** - اصلاح آقای دکتر رضاخان خوانده میشود يك اصلاحی هم از طرف حاج شیخ رئیس شده است قرائت میشود (مجدداً پیشنهاد دکتر حاج رضا خان قرائت گردید) (اصلاح حاج شیخ رئیس بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای ضد مشروطیت ضد حکومت ملی نوشته شود بحدف عناوین مختلفه  
**رئیس** - آقای حاج شیخ رئیس توضیحی دارید بفرمائید.  
**حاج شیخ رئیس** - بنده نمیتوانم متعجب و متأسف نباشم که اینهمه زحمات و صعوبات که آزادی طلبان کشیده اند و هر کس باندازه خودش تحمل کرده است و میکند برای این بود که تحصیل آزادی بکنیم حریت مشروعه یکی آزادیهای مشروع که گویا هیچ دولتی که در تجدد و مشروطیت داخل میشود مستثنا از این مطلب نیست آزادی عقاید است آن روز بنده عرض کردم و حال هم عرض میکنم که هیچکس را احتمال نمیشود داد (یعنی هیچ نادانی) که بگوید من ارتجاعی هستم یا حامی ارتجاعها را عرض میکنم آن چیزی که نسبتاً بمجازات مایه مجازات است نسبت قطع مرسوم یا قطع حلقوم من هیچکدام را فرق نمیکند مردم را برای مخالفت با حکومت ملی لازم میدانم برای اینکه نظر خودتان را باید منعطف بکنید و از روی يك ترتیب صحیحی تمام افراد را نگاه کنید و رسیدگی نمائید در هیچ مملکتی تمام آحاد مردم به جمهوری است نه مشروطه خواه

دولت ما مشروطه است امروز اگر کسی برخلاف عقیده دولت مشروطه ما که مشروطه را تصویب کرده و قبول کرده اقدامی بکند و ملت مخالفت بکند البته قانون مجازات هر چه در باره او تجویز بکنند بنده همراهم یا قطع مرسوم یا قطع حلقوم ولی ضدیت مشروطه را بنده با قوانین مخالف میدانم و بنده عرض میکنم که نباید مواجبا و قطع شود و بدارش هم نباید بزنند همانطور که در تمام دنیا معمول است و اشخاصی هستند که در مجالس و محافل برضد مشروطه سخن میگویند و حتی امروز در فرانسه هستند جمعی که آرزوی سلطنت ناپلئون را دارند و کسی متحمل آنها نمیشود ولی اگر برخلاف قوانینی که در مملکتشان جاری است يك کسی اقدام نماید و بيك سوت يك بیسی اهتزاز نکند قتلش واجب است حالا ما بیاییم هر کسی که برضد مشروطه حرفی زد یا يك همچو صحبتی کرد باید او را بکشیم و خانه اش را بر سر او خراب بکنیم این صحیح نیست و دیگر اینکه آقایان میفرمایند تصریح اسامی خلاف وظیفه مجلس است عیب است کسانی که از کفر ابلیس اعمالشان مشهورتر است و قیام اقدام کارهاشان معلوم است مگر آن ها را اسمهایشان را میترسند بزنند اگر مواجبا دارد بگویند در يك قانون کلی قطع شود دیگر اینکه میفرمائید در روزنامه رسمی عده اسمیشان نوشته شود و بچشم شورای ملی اطلاع بدهند که بدانند برای اینکه بدانند که سخن را بی ماخذ نمیگویم عرض میکنم که در همین تهران حاضر و همانها که اجرای امور را بدست آنها داده ایم تبعیض میکنند و کسی نمیداند و بعد از این هم خواهند کرد.

**دکتر حاج رضاخان** - بنده همین قدر از مخیر خواستم بیستم در هیچ جای دنیا اولاً مشروطه نیست این مشروطه ترجمه است و غلط ترجمه شده است و قدمهای آزادی طلبها است که مشروطه میگویند دیگر اینکه خیلی احزاب هستند در مملکت مشروطه و مرانامه هایی که از آن فرقه احزاب بیرون میآید ممکن است که برضد مشروطه باشد ممکن است که در آنجا جمهور طلبیم باشد آنها را نمیتوان گفت باسم مشروطه حقوق این اشخاص را قطع کرد اینکه بنده پیشنهاد کردم در عوض مشروعه ضد حکومت ملی چون حکومت ملی هم شامل مشروطه است و هم شامل چیز دیگر باین واسطه پیشنهاد کردم که حکومت ملی بنویسند و الا اسباب زحمت خواهد شد.

**رئیس** - رأی بگیریم پیشنهاد آقای دکتر حاج رضاخان و آقای حاج شیخ رئیس که نوشته اند بجای مشروطه حکومت ملی نوشته شود آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - این می ماند برای جلسه دیگر برای اینکه مخیر کمیسیون قبول نکردند چون قابل توجه شد باید برود بکمیسیون موافق نظامنامه امروز نمیتوانیم رأی بگیریم - تقاضای است آقای حاج وکیل الرهبا کرده اند خوانده میشود (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت گردید)

مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شریک الله ارکانه و بزانه خاطر مبارک نمایندگان معترم ملت را باین پیشنهاد خود جلب نموده عرض مینماید بیگناهان اطراف ملایر و همدان در زبردست مترددین دشمنان عدالت و انسانیت که اتباع سالارالدوله باشند بکلی غارت شده بی معاش و بی لباس با این برودت هوا زندگی با آنها مشکل گردیده دولت با کمال سرعت توجه فراهم آوردن لوازم زندگی آنها بوده و هست خوبست مجلس مقدس شورای ملی بتوسط این پیشنهاد حقیر این اختیار را بدولت بدهد در عوض يك قسمت مستحق از خساراتی که به خزانه دولت و دارائی ملت مترددین وارد آورده اند دولت مسائل چهار هزار خروار گندم و جو از همین سال یا بغیان مابین هشت هزار خانوار ساکنین اطراف ملایر و همدان برای يك قسمت از معاش زمستان آنها با مباشرت امنای مالیه و امنای معنی تقسیم فرماید لهذا این يك ماده را پیشنهاد نموده بقررت تقاضا مینماید که نمایندگان ملت رای خودشان را در این خصوص بفرمایند.

ماده واحده - دولت مجاز است چهار هزار خروار گندم و جو از عین المال مترددین باین هشت هزار خانوار غارت شدگان اطراف ملایر و همدان با مباشرت امنای مالیه و معنی تقسیم نماید.  
**رئیس** - مذاکره نموده شد و تصویب شد.  
**رئیس** - مذاکره نموده شد و تصویب شد.  
 راپورتش که آمد بعد مذاکره میشود استیضاحی است که از طرف آقای ادیبالتجار شده است چند استیضاح است قرائت میشود.  
 (استیضاح آقای ادیبالتجار بعبادت ذیل قرائت گردید)  
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - این بنده از هیئت وزراء عظام در خصوص اوراق و اسناد مضرة و مفسده انگیز که در این مدت نظمی بدست آورده در این انقلاب اخیر بوجوب فرموده مصادر امور بدست آمده و بعضی تلگرافاتی که در مجلس مقدس هم قرائت شد و صریح دلالت داشت بر اسناد زیاد که بچنگ دولت آمده و بهمین جهت در جلسه پنجشنبه ۱۱ شوال پیشنهادی بامضای ۴۱ نفر دیگر از نمایندگان مجلس تقدیم کردم و در همان جلسه با اکثریت تصویب و با تاکیدات از هیئت وزراء عظام از جانب مجلس خواسته شده و تا حال نرسیده دیگر در خصوص عدم مجازات کلیتاً و خصوصاً از مرتکبین این انقلاب اخیر که متضمن اینهمه خونریزی و غارت مال مردم و خرابی بلاد و قسبات و قراه بوده و تزلزل بسکونت تا مملکت انباشته و مجازات کسانی که مقدمات این وقوعات را فراهم آوردند و از وزارت جلیله داخله در خصوص عدم تعیین و اعزام حکام یا بالایات آذربایجان - خراسان - فارس - کیلان عربستان - همدان - لرستان - و غیره در باره ارتزاق عمومی و بخصوص نان تهران و سایر جاها و زیاد روی بعضی حکم در بعضی جاها و بعضی مطالب دیگر که وزارت خارجه در خصوص عدم ترقب مأمورین مقیم در خارج و عدم مواظبت وزارت در مرکز حرکت شاه مخلوع و ابتاع او از نقاط اروپا و مجامع آنها و عده توجه وزارت جلیله در جلوگیری از ورود شاه مخلوع بسرخد و سالارالدوله بنقطه دیگر و عدم اعزام مأمور ادسا و بعضی مطالب دیگر راجع بوزارت معظم البها و عدم مجازات کسانی که در ابتدا ایا جهالة از سوء اداره یا از راه عدم مقدمات رجعت تبعید شدگان را فراهم آورده اند و از بابت ورود بکمه قشون انگلیس به بندر بوشهر و حال آنکه هیئت در آن حدود مسلم است و از وزارت عدلیه

در باب کلیه بی ترتیبی های عدلیه در مندرجات فوق و بعضی مطالب دیگر استیضاح دارم و مستقیم روز حضور وزراء عظام در مجلس مقدس برای جواب راجعین فرمایند.  
**رئیس** - اطلاع داده میشود و روز سه تعیین میشود.  
**افتخار الواعظین** - يك فقره اش مخالف قانون است.  
**رئیس** - آنچه مخالف قانون است فرستاده نمی شود.  
**آقا میرزا احمد** - عرض بنده هم راجع بود بهمان اسناد مضرة که فرستاده اند و مایوس شده بودم حالا آقای ادیبالتجار استیضاح کرده اند عرض ندارم و تقاضا میکنم جوابی بیک از هیئت وزراء رسیده است در این باب بخوانند که به بنیم جواب نداده یا نینخواهند بدهند معلوم شود.  
**رئیس** - هیچ جوابی تا حال نرسیده است که خوانده شود یا خوانده نشود.  
**افتخار الواعظین** - بنده در ذیل توضیحاتی که برای شرکت قند سازی میدادم يك کلمه اشتباهاً عرض کردم ولذا ملذت شدم که آن کلمه اشتباهاً عرض کردم برخلاف عقیده بنده بوده این است که خواستم به آقایان توضیح عرض کنم که مقصود بنده چه بوده است مقصود بنده این بود که ما باید حتی الامکان اگر بتوانیم حتی المقدور سرمایه دیگران را هم در این کار شرکت بدهیم یعنی در کارهای خودمان سرمایه دیگران را شرکت بدهیم ضرری ندارد بلکه نفع ماست و هیئت دولت تصویب بکنند مضر نخواهد بود و بعد اشتباهاً عرض کردم (بدست دیگران) مقصود سرمایه دیگران بود.  
**رئیس** - تقاضای آقای معین الرعا شده است قرائت میشود.  
 (عبارت ذیل قرائت شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم شش نفر از طرف مجلس شورای ملی معین شود برای تسریع حرکت قوه نظامی که هیئت دولت در نظر گرفته است به آذربایجان اعزام شود همین امروز و فردا با وزراء عظام گفتگو نموده هر چه زود تر حرکت بدهند.  
**رئیس** - مغالطی نیست در این باب (اظهاری نشده)  
**رئیس** - پس قبل از آنکه آقایان تشریف بفرمایند کمیسیون را معین کنند چون اگر خواسته باشیم بگذاریم برای جلسه دیگر دیر میشود - این مطلب را بخوانم عرض کنم که امروز نصف وقت ما تلف شد بواسطه این پیشنهاد هائی که شد و مجبور هم بودیم که یکی یکی رأی بگیریم همین ترتیب یک ساعت وقت ما تلف شده بعد از این خواهش میکنم اصلاح و پیشنهاد را قبل از وقت بخیر کمیسیون بدهید تا کمیسیون که زود تر اطلاع داشته باشند چون بعضی اصلاحات هست که بیشترش يك معنا دارد و بنده چون وقت ندارم نمیتوانم در هر کدام از آن ها رأی بگیرم و قمتان تلف میشود قبل از وقت باید بایستد بدهند یا بخیر کمیسیون.  
**معزز المملک** - بنده راجع بقانون انتخابات يك تقاضائی کرده ام.  
**رئیس** - بفرمائید.

ماده واحده - دولت مجاز است چهار هزار خروار گندم و جو از عین المال مترددین باین هشت هزار خانوار غارت شدگان اطراف ملایر و همدان با مباشرت امنای مالیه و معنی تقسیم نماید.  
**رئیس** - مذاکره نموده شد و تصویب شد.  
**رئیس** - مذاکره نموده شد و تصویب شد.  
 راپورتش که آمد بعد مذاکره میشود استیضاحی است که از طرف آقای ادیبالتجار شده است چند استیضاح است قرائت میشود.  
 (استیضاح آقای ادیبالتجار بعبادت ذیل قرائت گردید)  
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - این بنده از هیئت وزراء عظام در خصوص اوراق و اسناد مضرة و مفسده انگیز که در این مدت نظمی بدست آورده در این انقلاب اخیر بوجوب فرموده مصادر امور بدست آمده و بعضی تلگرافاتی که در مجلس مقدس هم قرائت شد و صریح دلالت داشت بر اسناد زیاد که بچنگ دولت آمده و بهمین جهت در جلسه پنجشنبه ۱۱ شوال پیشنهادی بامضای ۴۱ نفر دیگر از نمایندگان مجلس تقدیم کردم و در همان جلسه با اکثریت تصویب و با تاکیدات از هیئت وزراء عظام از جانب مجلس خواسته شده و تا حال نرسیده دیگر در خصوص عدم مجازات کلیتاً و خصوصاً از مرتکبین این انقلاب اخیر که متضمن اینهمه خونریزی و غارت مال مردم و خرابی بلاد و قسبات و قراه بوده و تزلزل بسکونت تا مملکت انباشته و مجازات کسانی که مقدمات این وقوعات را فراهم آوردند و از وزارت جلیله داخله در خصوص عدم تعیین و اعزام حکام یا بالایات آذربایجان - خراسان - فارس - کیلان عربستان - همدان - لرستان - و غیره در باره ارتزاق عمومی و بخصوص نان تهران و سایر جاها و زیاد روی بعضی حکم در بعضی جاها و بعضی مطالب دیگر که وزارت خارجه در خصوص عدم ترقب مأمورین مقیم در خارج و عدم مواظبت وزارت در مرکز حرکت شاه مخلوع و ابتاع او از نقاط اروپا و مجامع آنها و عده توجه وزارت جلیله در جلوگیری از ورود شاه مخلوع بسرخد و سالارالدوله بنقطه دیگر و عدم اعزام مأمور ادسا و بعضی مطالب دیگر راجع بوزارت معظم البها و عدم مجازات کسانی که در ابتدا ایا جهالة از سوء اداره یا از راه عدم مقدمات رجعت تبعید شدگان را فراهم آورده اند و از بابت ورود بکمه قشون انگلیس به بندر بوشهر و حال آنکه هیئت در آن حدود مسلم است و از وزارت عدلیه

مهر زال ملک - چون خیلی کم مانده است بهروزه تقنینیه مجلس بنده تقاضا کرده ام که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود بهیئت وزراء که زود تر قانون انتصابانی که از مجلس گذشته است بامضای حضرت اشرف آقای نایب السلطنه برسانند و خیلی زودتر در تهران اعلام انتخاب بکنند که لااقل شروع بانتخابات شده باشد .

رئیس - همین طور امروز تأکید شده است .

رئیس - دستور روز سه شنبه سه ساعت ونیم بغروب مانده رایورت کمیسیون بودجه راجع بهشتادون هزار تومان حقوق مرگشتی از بودجه وزارت در بار قانون اساسی معارف - ماده واحده آقای آقای ادیبالتجار رایورت کمیسیون بودجه راجع به میرزا حسنخان مقتول

افتخار الواعظین - اولاً امیدوار هستم تا قانون شرکتها رایورتش از کمیسیون داده شود که طبع و توزیع شود که دو روز سه شنبه بتوانیم جزء دستور بگذاریم و تقاضا میکنم که اگر تا روز سه شنبه داده شد اورا جزء دستور بگذارید و یکی هم رایورتی از کمیسیون فواید عامه داده شده است راجع بجزیره هرمز که باید بجای معینالتجار داده شود از طرف دولت تقاضا شده است که شور دوم او هم بشود و تکلیف این مسئله هم معین شود که هیئت دولت تکلیف خودش را بدانند این است که تقاضا میکنم که این مطلب هم جزء دستور شود .

رئیس - این مطالبی که جزء دستور گذاشته شده است تمام مهم است اگر وقت شد اورا هم جزء دستور قرار میدهم .

حاج شیخ الرئیس - بنده در حقیقت به ترجمان افکار تمام آقایان عرض میکنم که مسئله پیشنهاد بودجه راجع بسیفالمجاهدین هیچ مذاکره ندارد و خوب است سه شنبه مطرح مذاکره قرار دهید که تکلیفش معلوم شود .

رئیس - اگر وقت پیدا کردیم چه عیب دارد . حاج عزالمالک - بنده يك طرحی تقدیم کرده بودم راجع بسفارت لندن اگر مخالفی نیست او را جزء دستور فرار بدهید .

رئیس - دستور همین قدر گمان میکنم کافی باشد برای روز سه شنبه برای روز پنجشنبه ممکن است (مجلس يك ساعت ونیم از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۳۱۵ صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۸ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤمن الملک ( سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نمود و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد صورت مجلس روز شنبه را آقای آقا میرزا ابراهیم خسان قرائت نمودند (غالبین جلسه قبل) بدون اجازه آقایان دکتر علیخان آقا سید محمد باقر ادیب فایب با اجازه - آقای شبانی - مریش - آقامیرزا علی اکبر خان - آقایانی که از وقت مقرر تاخیر نموده اند آقایان حاج وکیل الرهبا - دکتر لقمان ۲۰ دقیقه آقای حاج شیخ اسدالله ۴۰ دقیقه

آن شب پیشنهاد دادم يك پیشنهاد آن ذکر شده و آن پیشنهاد دیگر که به آقای رئیس کمیسیون داده بودم آن قید نشده و همانوقت اظهار کردم گویا مفقود شده است .

رئیس - همان وقت گفته شد که نرسیده است دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) ماده واحده که ادیبالتجار پیشنهاد کرده بودند بکمیسیون ارجاع نشد چون مطابق نظام نامه داخلی نمی توانیم رای بگیریم معوق ماند و بجلسه بعد معول شد رایورت کمیسیون بودجه راجع به ۸۹۰۰۰ تومان برگشت بودجه در باری قرائت میشود .

معاون وزارت معارف - لایحه بود راجع باناثیه مدارس در هفته قبل این بود در جلسه پنج شنبه مذاکره شود يك نقش داشت و آن نقش مرتفع شد استدعا میکنم که آن را زودتر در دستور بگذارند و از مجلس بگذرد

رئیس - بله لایحه چند روز قبل راجع به اناثیه پنج باب مدرسه ابتدائی پیشنهاد شده بود چون بامضای دولت نرسیده بود استرداد کرده بامضای رسانیدند و چون مختصر است تقاضای کنند که جزء دستور امروز گذاشته شود مخالفی هست (گفتند خیر) لایحه وزارت معارف خوانده می شود .

(لایحه مزبور بپارت ذیل قرائت شد) مجلس مقدس شورای ملی شهابه ارکانه نظر بقانون (۲۸) سنبله تنگوزیل ۱۳۲۹ وزارت معارف درصدد است که هرچه زودتر پنج باب مدرسه ابتدائی دولتی تهران را مفتوح نماید ولى مع التأسف در پیشنهاد قانون مزبور که از طرف وزارت علوم شده بود برای مضارح اناثیه مدارس مذکور وجهی تقاضا شده بود و در موقع مذاکرات آن در مجلس مقدس هم این نقش تکبیل نگردیده و چون بند از وضع وانتشار قانون (۲۸) سنبله تمام مرد یا کمالهجه منتظر افتتاح مدارس دولتی بوده معلمین هم که تعقیب تحصیلات خود را برای افتتاح مدارس دولتی معوق گذاشته اند هجله تمام دارند که مدارس مزبوره مفتوح گردد وزارت معارف پس از تبادل افکار باخترانه دار کل و تحصیل اطمینان از طرف مشارالیه برای امکان پرداخته شدن این وجه ماده ذیل را پیشنهاد کرده و نظر بانثیه يك ماه از اول سنه تدیس گذشته واگر مدارس دولتی تأمدت قلبی تأسیس نشود شاگردانی که امسال وارد آنجا میشوند نخواهند توانست که تا آخر سال تدیس تحصیلات خود را باتمام برسانند و بدین مناسبت امسال وقت آنها تضییع شده و مضارحی هم که دولت معیناید تقریباً بلائیر خواهد بود فوریت ماده پیشنهادی را تقاضا دارد .

ماده واحده - برای تهیه اناثیه پنج باب مدرسه ابتدائی دولتی طهران که مطابق قانون (۲۸) سنبله تنگوزیل ۱۳۲۹ باید تأسیس شود مبلغ سه هزار و پانصد تومان بوزارت معارف اعتبار داده میشود .

حاج شیخ علی خراسانی - مبتنوری که پیشنهاد شده اول اناثیه این مدارس ابتدائی منظور نشده است اما از آنوقتیکه تصویب شده است تا بجايل فریب بگماه ونیم است شاید تا وقتی هم که تأسیس

داخله وخارجه مدرسه دولتی مدرسه سن لوتی مدرسه آلبانی مدرسه سیاسی مدرسه آلمانی مدرسه پرستانها هست چندین مدارس دولتی غیر از این مدارس هست و پنج باب مدرسه مظفری مفتوح شده که اینها تقریباً هشت نه سال است اعانه از دولت میگرفتند ولی يك باب مدرسه ابتدائی در ایالات مفتوح نشده است بنده مجدداً پیشنهاد خودمرا تقدیم میکنم که برای نه مدرسه باشد چون نمیتوانم برسه هزار و پانصد تومان مطابق نظامنامه داخلی چیزی پیشنهاد کنم بانثیه این سه هزار و پانصد تومان را تقاضا میکنم برای نه باب مدرسه ایالات و طهران باشد و تقاضا میکنم آقایان این را تصویب بکنند و آن سه هزار و پانصد تومان تقریباً هزار و پانصد تومانش برای ولایات باشد و دوهزار تومانش برای طهران

معاون وزات معارف - اولاً مفهوم نیست که وزارت معارف مدارس ولایات را که آقای بجهت فرمودند از نظر معر کرده باشد و ثانیاً این مبلغی که پیشنهاد شده مبلغ کلی نیست که مفرمانه من آنرا برای نه باب مدرسه تقاضا میکنم این از روی برآورد و يك حساب معینی پیشنهاد شده است و از برای پنج باب مدرسه است هر مدرسه فریب دوست نفر شاگرد دارد برای هر دوست نفر شاگرد باید تهیه اناثیه کرد ببلاده لوازم دیگر که برای کلاسها لازم است پس اگر برای آن مدارس هم لازم باشد باید اضافه کرد و علیحده باید پیشنهاد شود این را نمیشود کش آورد باید از برای آنها هم اضافه اناثیه فراهم کنیم هر چیزی يك قیمت معینی دارد و در باب اینکه از مدارس ایالات صرف نظر شده اینطور نیست مدارس ایالات باید بعد از این ایجاد شود و از همین مقررى که معین شده میتوان مقررى يك ماه دو ماه اول را بصرف اناثیه برسانند و اینکه برای مرکز تازه اعتبار خواسته شده از این باب است که در طهران الآن پنج شش باب مدرسه است که از دولت اعانه میگردد اگر این پول را بعنوان این مدارس که تازه میخواهیم تأسیس کنیم می گرفتیم ممکن است هم صرف اناثیه بکنیم و هم تا این مدارس موجود نشده بآنها بدهیم و هم آن مدارس ابتدائی مفتوح بکنیم چون قریب هفتصد تومان با مدارس میدهم و وقتی این مدارس موجود شود دیگر آن هفتصد تومان را نخواهیم داد چون این سه کار را يك دفعه ممکن نبود بکنیم این لایحه پیشنهاد شد ولی مدارس ایالات را ممکن است مقررى يك ماهه و دوماهه اول را بصرف اناثیه اش رسانید و آن وجه سابق را صرف افتتاح و نگاهداری آنها کرد و اینکه از برای مدارس پایتخت اعتبار تازه خواسته شده برای اینست که تا آن مدارس ایجاد بشود این مبلغ را ما نمیتوانیم بگیریم هم این مدارس را افتتاح کنیم و هم آن مدرسه ها را راه ببریم و هم اناثیه درست بکنیم این سه کار را در آن واحد با يك مبلغ ما نمیتوانیم بکنیم اینست که این مبلغ تقاضا شده است که برای اناثیه این پنج مدرسه داده شود تا این مدارس بار شود ولى هر وقت آن مدارس باز البته این مدارس بسته خواهد شد البته از این پولی که معین میشود اول اناثیه را تهیه باید کرد و بعد آن پول را صرف نگاهداری مدارس کرد .

حاج شیخ اسدالله - گفتگوی مدارس و معارف وقتیکه در مجلس میشود آقایان باید حسن استقبالی با کمال ذوق و شوق چشمها را هم میگذارند اگر ده هزار تومان هم بخواهند تصویب میکنند ولی باید يك قدری دقت کرد دید از حیث قانونی ترتیب اینکار که تصویب خرج است از چه قرار است این يك خرجی است که وزارت معارف برای اناثیه مدارس تقاضا کرده است عقیده بنده اینست که باید این برود بکمیسیون بودجه میفرمایند این از روی يك اساس و ترتیب معین تعیین شده بود سه هزار و پانصد تومان پیش بینی شده است و از برای اناثیه این مدارس این سه هزار و پانصد تومان لازم است باید این به نظر اعضاء کمیسیون بودجه برسد آنها نظریات خودشان را بکنند بعد پیشنهاد مجلس مقدس بشود عقیده ام اینست پنج باب مدرسه طهران سه هزار و پانصد تومان خیلی زیاد است بنده عقیده ام اینست که برای هر مدرسه که خیلی بخواهیم رای بدهیم دوست تومان کافی است این اناثیه که از برای مدرسه می گویند نمیدانم این اناثیه چه چیز است تماش رادر امر معارف بشاخ و برگ به ترتیب چیز های دیگر میردازند و باصل معارف و علم و تعلیم نمی بردازند و رسیدگی آنطور که باید نمی کنند و اناثیه اورا سه هزار و پانصد تومان نخواهید و این خیلی زیاد است و برای هر مدرسه دوست تومان کافی است عقیده ام اینست که این مسئله باید برود بکمیسیون بودجه ببینند این پیشنهادی که شده است این سه هزار و پانصد تومان را که وزارت معارف از برای اناثیه مدارس پیشنهاد کرده است آیا لازم دارد یا ندارد شاید کمیسیون بودجه پانصد تومان بیشتر رای ندهد حالا بطور بدون جهت يك دفعه رای بدهیم که سه هزار و پانصد تومان برای اناثیه پنج باب مدرسه بدهند بنده این را زیاد میدانم و بهتر اینست که بکمیسیون بودجه برود منتهی يك جلسه تفاوت دارد و در جلسه بعد ممکن است کمیسیون بودجه نظریات خودش را کرده باندند و بمجلس پیشنهاد بکنند و دیگر آنکه تصویب میکنم نظریات آقای بجهت را بمان ترتیبی که حسابات مجلس معلوم شد و گفته برای ایلات هم هر يك يك مدرسه تأسیس شود همان ترتیب هر چه مدرسه تصویب شده باید يك مرتبه مفتوح شود و هر چه اناثیه برای آنها تقاضا میکنند باید بگمرتبه بمجلس بیاورند و تصویب شود .

معاون وزارت معارف اینکه این مبلغ را زیاد میدانند نمیدانم از روی چه نظر است از روی چه حسابی این مبلغ را زیاد میدانند اناثیه مدارس ممکن است میزو صندوق آن از چوب سفیدم ساخته شود از چوبهای دیگر هم ممکن است بالاخره هر مدرسه دوست نفر شاگرد باید داشته باشد بحساب چنابمالی تقری بکنم این مقدار را بدین حساب يك اناثیه صغیری باید داشته باشد البته چوبهای خوب هست و چوب سفیدم هست چوب سفید بايك نجاری خیلی بدی شاید پنجهزار هم بشود ساخت آنهم جزء اناثیه است و اینکه میفرمایند بشاخ و برگ می بردازند اینطور نیست و اناثیه برای مدارس لازم است و اناثیه اسمش باخودش است و باید باخود مدارس ترتیب داده شود و این قبعتی هم که تصور میفرمایند زیاد

است زیاد نیست و در باب قیمت هم همه قسم ملاحظات نکات و دقت شده است شاید کمیسیون بودجه هم پیش از این نتواند دقت بکنند بجهت اینکه همه دقت هائی که باید بشود شده است و از آنجمله هائی هم که بدست آوردیم و از چندین نفر که اینکار را کرده اند و از چندین نفر تجار تحقیق شده و بهتر از این و کمتر از این قیمت نمیشود و خیلی دقت در قیمت او شده است و بهتر از این و صغیر تر از این قیمت بدست نیامده و باز هم البته دقت خواهد شد در باب ولایات هم نظریات وزارت معارف همان است که عرض کردم و محتاج بتکرار نیست .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است) پیشنهادی از طرف آقای بجهت شده است خوانده میشود (پیشنهاد مزبور بپارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که لفظ پنج باب مدرسه تبدیل به نه باب بشود .

رئیس - توضیح کد دادید بجهت باز هم توضیح میدهم اجازه میفرمائید .

رئیس - بفرمائید . بجهت - بنده عقیده ام اینست که سه هزار و پانصد تومان زیاد است ولی چون زیاد بر آن نمیتوانیم پیشنهاد بکنیم بانثیه برای نه باب پیشنهاد کرده و وقتی که باب شد آنوقت لابد لفظ پنج مدرسه و طهران برداشته میشود و این اعتبار شامل نه مدرسه طهران و ایالات میشود آنوقت اگر از این وجه زیاد آمد بصرف اناثیه ولایات میرسانند و اینکه فرمودند از مقررى ماه اول و دوم بصرف اناثیه آنها میرسانند بمان دلیل که در باره طهران فرمودند نه بود و آن وجه بصرف اناثیه رسانید این است که بنده این مبلغ را برای نه مدرسه طهران و ایالات پیشنهاد کردم اگر از مضارح طهران زیاد آمد که بصرف ایالات میرسانند و اگر زیاد نیامد ممکن است دوباره اعتبار بخواهند .

معاون وزارت معارف - این ممکن نیست و بنده نمیتوانم قبول بکنم بجهت اینکه تمام مضارح دقت شده و برآورد شده این از برای پنج مدرسه است همین شکلی که عرض کردم اگر برای نه مدرسه باشد باید چیزی اضافه کرد این چیزی است که بر آورد شده است برای طهران و از برای ولایات هم عرض کردم بآن شکل ممکن است ترتیب اناثیه داد .



علوم بکمیسیون بودجه رجوع شود تا راپورت کمیسیون بودجه داده شود

**رئیس -** آقایانیکه تقاضای حاج شیخ اسدالله را تصویب می کنند قیام نمایند ( همه کمی قیام نمودند

**رئیس -** قابل توجه نشمارده واحده پیشنهاد وزارت معارف خوانده میشود

ماده واحده - برای تهیه اثاثیه ۵ باب مدرسه ابتدائی دولتی طهران که مطابق قانون (۲۸) سنه ۱۳۲۹ تشکیل یافته باید تأسیس شود مبلغ سه هزار ریاضت تومان بوزارت معارف اعتبار داده میشود

**رئیس -** آقایانیکه این ماده واحده را تصویب میکنند رفته سفید خواهند داد اوراد رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بنده ذیل شماره نموده ورقه سفید (۳۹) ورقه آبی (۲)

**رئیس -** با کثرت (۳۹) رای از (۷۱) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق برگشت بودجه دربار خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

حقوق درباری اشخاصیکه جزء دربار حقوق داشته و مدتی در کمیسیون بودجه مطرح مذاکره بوده و بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده بود از مجلس مجدداً بکمیسیون ارجاع شده از مجلس و کمیسیون بودجه عقیده کتبی پیشنهاد شده و در کمیسیون مطرح گردیده پس از مذاکرات لازمه مطابق پیشنهاد وزارت عالی بترتیب مواد ذیل تصویب گردیده و چند ماده نیز از طرف کمیسیون بودجه الحاق گردید

**رئیس -** در کلیات مذاکرات ختم نشده مذاکرات در کلیات است

**قواعد الدوله -** اولاً با راپورت کمیسیون مخالفم با پیشنهاد وزیر موافقم نائیباً خواستم عرض کنم در چند روز قبل که مذاکره شده بنده عرض کردم این اشخاص در دولت مستقلمیستند بهر اسمی و بهر رسمی که بوده بل حقوق برده اند و امروزه هم شان برایشان دستنقدند سال است حقوق نداده اند و در ولایات هم تمام ارزاق گران حالا هم آن حقوقیکه تصویب بشود نمیدانم بعد ها برسد یا نرسد کاری ندارم ولی هیتقدر عرض میکنم که پنجاه سال خدمت سال است این حقوق را بهر اسمی و رسمی بوده می برده اند حالا باید موافق قوانین دول مشروطه که تکلیف این قسم حقوق را تعیین کرده اند معین بکنیم یا یک قانونی وضع کنیم که بعد ها شامل حال آنها بشود و البته اشخاص که موجب فرمان بادستخط هر چه بوده است حقوق داشته اند این ها را نمیتواند نداد بجهت اینکه هشتصد یا نهصد یا هزار نفر هستند که حقوق آنها از بودجه در بارم فرم شده برای اینکه بودجه در بار سنگین میباشد این بیچاره ها آنوقت که این مواجب را جزء دربار کرده اند برای این بود که زود وصول بشود چون وزیر دربار در آزمون اقتداری داشت وزیر درباری که اسم برده میشود (امیربهدار را میگویم) امروز بیچاره ها فریادشان با آسمان رسیده است حقوق اینها را با مجلس تصویب سکند که بموقوفشان برسد همان قانون وظایف و متوفیات هم شامل حال اینها میشود و بعد از چندی

تمام اینها منحل میشود و وبال کردن مجلس و نمایندگان باز نخواهد شد

**رئیس -** مخیر کمیسیون جواب نمیدهد

**حاج سیدابراهیم -** اول هم مذاکره شده که حقوق این اشخاص در سه قوی بیل باسامی اشخاص رسیدگی شده و قطع شده بود و بمجلس آمد مجلس تصویب نکرد و گفت جزء بودجه دربار شود چون وزارت دربار یک ترتیبی برای خودش بخواهد باین اشخاص بدهد میخواهد نهد پس این چیزیکه امسال بمجلس آمده و از مجلس میگردد در واقع تصویب یک برقراری است نه قطع یک برقراری و این ملاحظه هم شده نه اینکه این اشخاص یک حقوقی داشته اند و قطع شده اینطور نیست از آن طرف هم دیدند که یک عده اشخاص یک ترتیبی معیشت میکردند اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بنده ذیل شماره نموده ورقه سفید (۳۹) ورقه آبی (۲)

**رئیس -** با کثرت (۳۹) رای از (۷۱) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق برگشت بودجه دربار خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

حقوق درباری اشخاصیکه جزء دربار حقوق داشته و مدتی در کمیسیون بودجه مطرح مذاکره بوده و بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده بود از مجلس مجدداً بکمیسیون ارجاع شده از مجلس و کمیسیون بودجه عقیده کتبی پیشنهاد شده و در کمیسیون مطرح گردیده پس از مذاکرات لازمه مطابق پیشنهاد وزارت عالی بترتیب مواد ذیل تصویب گردیده و چند ماده نیز از طرف کمیسیون بودجه الحاق گردید

**رئیس -** در کلیات مذاکرات ختم نشده مذاکرات در کلیات است

**قواعد الدوله -** اولاً با راپورت کمیسیون مخالفم با پیشنهاد وزیر موافقم نائیباً خواستم عرض کنم در چند روز قبل که مذاکره شده بنده عرض کردم این اشخاص در دولت مستقلمیستند بهر اسمی و بهر رسمی که بوده بل حقوق برده اند و امروزه هم شان برایشان دستنقدند سال است حقوق نداده اند و در ولایات هم تمام ارزاق گران حالا هم آن حقوقیکه تصویب بشود نمیدانم بعد ها برسد یا نرسد کاری ندارم ولی هیتقدر عرض میکنم که پنجاه سال خدمت سال است این حقوق را بهر اسمی و رسمی بوده می برده اند حالا باید موافق قوانین دول مشروطه که تکلیف این قسم حقوق را تعیین کرده اند معین بکنیم یا یک قانونی وضع کنیم که بعد ها شامل حال آنها بشود و البته اشخاص که موجب فرمان بادستخط هر چه بوده است حقوق داشته اند این ها را نمیتواند نداد بجهت اینکه هشتصد یا نهصد یا هزار نفر هستند که حقوق آنها از بودجه در بارم فرم شده برای اینکه بودجه در بار سنگین میباشد این بیچاره ها آنوقت که این مواجب را جزء دربار کرده اند برای این بود که زود وصول بشود چون وزیر دربار در آزمون اقتداری داشت وزیر درباری که اسم برده میشود (امیربهدار را میگویم) امروز بیچاره ها فریادشان با آسمان رسیده است حقوق اینها را با مجلس تصویب سکند که بموقوفشان برسد همان قانون وظایف و متوفیات هم شامل حال اینها میشود و بعد از چندی

باشند در مواد پیشنهاد کنند یا مجلس تصویب می کند یا خیر حالا در کلیات چند ملاحظه شده است یکی نسبت باشخاصی است که استحقاق این حقوق را ندارند که از آن ها بالکلیه موقوف شده یکی از اشخاصی که ضعیف بوده اند از قبیل بیست و سی چهل تومان که کلیه الفاه شده نسبت بسایرین هم موادی اتخاذ شده است که ملاحظه میفرمایند که پنج هشر است شش هشر است هشر است همینطور سکه از نظر آقایان میگردد بالاخره بنا بر آن توضیحاتی که آندمه بنده دادم کمیسیون مجبور بود در این که بعضی را الفاه و بعضی را قطع نماید لیکن بلاحظه اینکه شاید نظر بعضی از آقایان غلط بیاید مثلاً در افراط و تفریط آن نسبت بکلیات بعضی نظر داشته باشند که زیاد شده بعضی نظر داشته باشند که کم شده و رای نمودن آن وقت هم باز این لایحه بلا تکلیف می ماند و ممکن است در قیاب مجلس شورای ملی چنانچه در پارسل هم هیئت وزراء رای داده و تصویب کرده بودند که قبض این اشخاص صادر شود باز در قیاب مجلس یک چنین حکمی از وزراء صادر شود و یک ضرر کلی به بودجه مملکت وارد بیاید لذا غرض است چندان نظر شخصی خودشانرا تعقیب نکنند تا تکلیف این لایحه معلوم شود

**رئیس -** مذاکرات در کلیات گویا کفایت رای می گیریم داخل در مواد شوم آقایانیکه تصویب می کنند داخل در مواد شوم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب شد سابق هم عرض کردم این دو شور دارد این شور اولست (ماده اول ببارت ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - از یک تومان تا ماخذ شصت تومان ابقاء می شود

**حاج سیدابراهیم -** در تمام مواد بنده پیشنهاد کرده ام بدون کسر تومان درینجا نوشته نشده است **رئیس -** حالا که رای نخواهیم گرفت اگر پیشنهادی دارید بنویسید بفرستید به فرستیم به کمیسیون

**حاج شیخ علی -** بنده موافقم با این ترتیبی که از کمیسیون پیشنهاد شده خیلی خوبست و آن کسریکه آقا فرمودند در وزارت مالیه هم آن کسر را بقلم نمی آورند ام از این که این جا قید بشود یا نشود فرق نمیکند

**حاج شیخ الرئیس -** بنده در کلیات اجازه خواستم موقع نرسید ناچارم در این ماده یاد داشت خود را عرض کنم و آن این است که بنده هیچ نمی توانم تصدیق کنم فرمایش بعضی نمایندگان را که می فرمایند این حقوق از حقوق موقوفه است و حالا مجلس میخواهد دوباره یک عطفه با برقراری نسبت باین اشخاص معین کند بجهت این که معنی قطع را همه میدانند و بنده معنی قطع اجمالی را نمی دانم چیست و سابقاً بواسطه باره ترتیبات که در تهه بوده است مردم بیچاره ادارات باره علائق داشتند خیلی میشد که بنده که باید در سلسله مواجیم را بگیرم بواسطه آشنائی که با سیهالار داشتم در فوج خلج مواجب میگرفتم شوخی عرض نمی

کنم جدی عرض می کنم خیلی از علماء جزء فوج مواجب میگرفتند و اگر این واضعین در تویضه مواجب داشتند جزء قرائت خانه مواجب میگرفته اند برای چه بوده است برای این بوده است که در آن اداره راه داشته است و این حقوق ثابتی مماش آن ها با آنها داده بودند و آن حقوق ثابتی سابقه را که مجلس شورای ملی قطع کرد آن ها حقوقشان را جزء دربار یا سایر ادارات مثل تفنگ دارخانه وغیره کرده بودند

حالا که این ترتیبات پیش آمده خیلی متأثرم و متأسفم برای خیلی از این اشخاص که پریشانی آنها را میدانم حالا وزیر دربار آنوقت هر که بوده برای اینستکه بودجه درباری را تقیید کنند یا غیردرباری را که مثل من بی و درآمده شده از دربار براند اینها را از بودجه درباری خارج کرده است نه اینکه قطع حقوق اینها را کرده است زیرا که قطع حقوق مخصوص است بمجلس شورای ملی نه وزیر دربار حق دارد نه رئیس الوزرا حق دارد و راجع است بمجلس و مجلس هم قطع نمکرده است بنده هم بوده ام و بنده عقیده خودم را که آزاد است خاصه در این مجلس که مجلس آزادی است عرض میکنم که خیلی برای مجلس ناشایسته میدانم و گمان میکنم که اینها هشتصد نفر آدم هستند و بنده عقیده ام این است که اینها هشت هزار نفر هستند که از حقوق آنها کسر و قطع بشود خوب است نمایندگان محترم نظر میکنند بکسانی که عائله این مستمیری خوردند و بعضی که تصور میکنند اینها موقوفه اینطور نیست یعنی وقتیکه بتاریخ برقراری اینها نظر بکنند می بینند که سوابق صحیحه داشته و بعضی که وظیفه ندارند خیلی پریشان سهل است که بگویند آنها که وظیفه دارند نگیرند اگر حق است چرا نگیرند و اگر ناحق است چرا از یک الی شصت تومان را بگیرند و بنده اهمیت میدهم که با آن قانون که آن معامله را که باجابه بدتر از اموات میکنند مغریب از این حقوق ازری باقی نخواهد ماند

**حاج شیخ علی خراسانی -** اگر از کلی حرف بزنیم که قدری از موضوع خارج میشود بنده یک نفری هستم که هرگز لفظ حقوق را بر این وجوه اطلاق نکرده ام بجهت اینکه اینها حقوق صحیح نیستند هر دولتی که ایجاد شده است به تمه خودش یک حقوقی داده است ولی وقتی که آن سلطنت از سلسله بسلسله دیگر منتقل میشد لابد آن حقوق از بین میرفت اما چون در دولت مشروطه قدری ملاحظه حال ملت شد این بود که آن حقوق سابق را تمام از بین میزدند همین ملاحظه بود که کمیسیون گفتند بعضی اشخاص هستند که بعضی از این حقوقات غیر مشروعه میگرفتند و گذران میکردند با آنها داده شود و گذران بکنند مثل اینستکه دارالمعزیه دائر بشود یا بعضی اشخاص که مستحقند چیزی داده شود این بود که عقیده کمیسیون بر این شد که رویه سابق را پیش بگیرد و بنده دیدم که آن ترتیب آمد بمجلس ورد شد بجهت اینکه نظر هیئت دولت را لازم دانستند و رفت بکمیسیون بودجه و از کمیسیون بودجه ملت و دولت را خواستند که شما در خصوص این حقوق چه نظر دارید این بود که از طرف وزراء پیشنهاد شد و آن لایحه از طرف وزارت مالیه پیشنهاد مجلس شورای ملی شد

که آن را تصویب کنند که آنهایکه کم دارند باقی باشد که گذرانی داشته باشند و آنها که زیاد بپرند فوری موقوف شود فوراً هم مقداری کسر شود این بود که در اول که در کمیسیون مطرح شد که بیست تومان وجهل تومان ابقاء و در مابقی یک تشریف ابقاء در نانیه که پیشنهاد شد ۱۲۰۰ تومان را گشتند ابقاء کنند وزارت مالیه اظهار کرد از شصت تومان ابقاء شود مابقی را هم یک ماخذی است که نصف از میان نرفته باشد و هم یک ماخذی است که نصف مخارج یک خانواری را بخواهد بطور رعیتی گذران کند میدهم که هم نظر اول کمیسیون از بین نرفته باشد هم نظریاتی را که کمیسیون در نظر گرفته بود و بدوید از میان نرفته باشد هم این نظر دولت خوب بود که داده شود این بود که کمیسیون هم بنظر وزارت مالیه حداقل را ۶۰ تومان دانست

**قواعد الدوله -** اولاً اینکه بنده از این اشخاص هیچ حمایت ندارم و بستگی جز اسلامیت و ایرانیت ندارم من باب نوعیت عرض میکنم این ۶۰ تومان که کمیسیون ابقاء کرده است تصور میکنم این مخارج یک خانواده که عمارت از یکمرد و یکمرد و یک طفل بود نمیگویی که یکصدت عمارت هم باید اجاره نمایند میگویم یک اطاق هم باید اجاره نمایند تصور کنند نان یکمرد چند است گوشت یکمرد چند است مخارج یومیه روزی چند است در صورتیکه نان خالی بخورند و هیچ نوع مخارج ضروری هم نداشته باشند میشود سه نفر از ماهی ۹ تومان کمتر خرج میکنند در اینصورت باید اگر صد تومان مواجب دارد ابقاء بکنند دیگر لازم نیست در شصت سوار شود اسب داشته باشد این ها را عرض نمی کنم اینها جزء مخارج اینها نیست عرض کردم اگر بقانون دوله نگاه بکنیم اگر بپر شده اند و کار از آنها ساخته نیست حقوق تقاعدی با آنها بدهند در بعضی ادارات که بتوانند کاری از پیش ببرند آنها را وارد کرد و این شصت تومان را از حقوق آنها کسر بکنند دیگر اینکه از این تفاوتیکه در راپورت سابق کمیسیون باین راپورت بنده میدانم از چه نظر است که در آن وقت دوستان و چهل تومان ابقاء میشد حالا شصت تومان ابقاء شده است

**رئیس -** گویا مذاکرات در ماده اول کفایت (گفتند کافی است)

(ماده ۲) تا ماخذ یکصد و بیست تومان شصت تومان بیاخذ ماده (۱) مازاد آن دو نلت ابقاء میشود

**حاج شیخ اسدالله -** مذاکراتیکه در ماده اول شد گویا در آنجا جایش نبوده اینجا جای آن مذاکرات است بجهت اینکه آنجا تصویب شده بود قطع نکرده بود این ماده میگویند شصت تومان باقی است و مازادش که دولت است باقی نیست و بنده در این ماده و در تمام این مواد این نظر را دارم اگر بخواهند نظری بکنند و یک جرح و تعدیل بکنند در این حقوق درباری اینها باید یک میزانی بگیرند پایک هشر یادو عشر که علی السواء باشد قبلاً میزانی یک تومان باید یک عشر کسر شود یادو عشر واز صد تومان هم هانرا کسر بکنند بجهت اینکه این اشخاصی که دارای این حقوق هستند بنده میدانم کدامشان

ذیعق کدامشان ذیع نیستند بلکه این یک چیز بی بوده است که دولت سابقاً با آنها میداده است و حالا کما میخواستیم در آن جرح و تعدیل بکنیم باید یک میزان مساوی را اتخاذ بکنیم که بهمان ترتیب کسر شود و نسبت بکلیه آنها سبب باشد که همه را یک نظر نگاه کرده باشیم یعنی وقتی که میگوئیم دو قران یا سه قران از هر تومانی کسر بکنند نسبت بتمام اینها همین سکار را بکنیم و هیچ تفاوتی بین یک تومانی و شصت تومانی و دو صد تومانی نگذاریم بنده عقیده ام این است که این ترتیب بهتر است حالا مخیر کمیسیون هر طوری را بهتر میدانند قبول بکنند

**حاج شیخ علی -** این اشتباهی را که آقای حاج شیخ اسدالله کردند راجع باین است که تصور کرده اند این یک وجهی است که میخواهیم بین این اشخاص قسمت کنیم بلکه میخواهیم از این اشخاص یک دستگیری بکنیم برای اینکه چیزی با آنها بدهیم و چون آنها یکی که کمتر دارند شاید بیشتر پریشان باشند از این جهت گفته ایم که تا شصت تومان تماماً باقی باشد و زیاد از آن تا یکصد و بیست تومان شصت تومان آن باقی باشد و مابقی که نلت ابقاء شود مثلاً اگر ده تومان زیاد تر دارد شصت تومان آن ابقاء میشود و اگر بیست تومان را سی تومان دارد همینطور یک نلت آن قطع میشود و مابقی ابقاء خواهد شد و اینکه میفرمایند مثلاً تومانی دو قران یا سه قران از کلیه کسر شود این نسبت به هزار یا هزار و دو صد تومان چه فایده خواهد داشت و نسبت بشصت تومان هم باید این کار را بکنیم در صورتی که برای رعایت حال آنها کمیسیون عقیده اش این بوده است که از آنها کمیست تومان دارد چیزی کسر نشود پس بنده عقیده بنده همین ترتیبی را که کمیسیون پیشنهاد کرده است بهتر است

**حاج شیخ الرئیس -** شاید در بادی نظر بیضی از اثمان اینطور وارد شود که ابقاء شصت تومان یا صد تومان برای کسی که از وی آن حقوق سهل است اما ابقاء صد یا باصتد تومان یا بیشتر سخت است و ناگوار بنده برای تذکره خاطر نماینده محترم که با بنده هم لباسند عرض میکنم با کمال احترام که بزرگان دینی ما که مقنن دینی معاشیه و ماده ما بوده اند فرمودند که منگه بیت المال مسلمین در دستم است از مالز کورت است بکسی نمی دهم که دارای اموال دینار است ولی بکسیکه دارای باصتد با هزار دینار است میدهم و معنی این حرف را اگر ما بشکافیم رفع شبهات میشود برای اینکه ممکن است آن کسیکه در مئه ده تومان دارد یا کمال آسودگی و خاطر جمعی گذران بکند و آسایش داشته باشد و خیلی ممکن است که یک خانواده باینکه ماهی صد تومان دارند در نهات عسرت و سختی معاش میکنند و در کمال فلاکت بلکه قریب بفلاکت باشند و بنده میدانم این مطلبی که فرمودند که با شصت تومان یک خانواده میتواند زندگی نماید مطابق کدام فلسفه و حساب است بفریاز اینکه عرض کنم یکروز روزه دار و مرا قوت سالده

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست؟ (گفتند کافی است) ماده سیم خوانده میشود (بمبارت ذیل فرات شد)

ماده ۳ - از یکصد و بیست تومان تا ماخذ دو صد

تومان یکصد و بیست تومان بناخذ ماده (۲) مازاد آن آن پنج عشر ابقاء میشود .

**لواءالدوله** - آنتبارتی راکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند گویا از این هشتصد نفر یا هشت هزار نفر هر چه هست اینطور نباشد بجهت اینکه میگویند حقوق کلیه را بواسطه اینکه دولت استطاعت ندارد ده يك يا ده دو كسر میکنند اسم كسر و قطع هم نیست حاكم اصلاح است ولی اینجا نوشته است از يكصد و بیست تومان زیادتى مثل شصت تومان ابقاء میکنند اگر صد و بیست و يك تومان شد یا صد و بیست تومان يك قران بجهت اینکه يك قران هم مازاد يكصد و بیست تومان است عرض میکنم صد و بیست و يك تومان این يك تومان اضافه شد آنوقت مازادش را پنج عشر ابقاء میشود شصت تومان رامیکینند و دولتش باقی است يك ثلث موضوع میشود این وقتیکه شصت تومانش موضوع شد نصف باقی میماند از مازاد اوهم پنج عشر ابقاء میشود باید در خصوص این اشخاص يك قانونیکه نوشته میشود و يك عشر در باره کلیه منظور شود اینطور بهتر از این است که بیایم اینها را طبقات فرار بدیم صد تومان و دو صد تومان و سیصد تومان و هفتصد تومان باید اینها یک نسبت باشد که دلیل قانونی در حکم و اصلاح آن داشته باشیم .

**حاج عز الممالک** - اولاً متصرف مازاد است و اگر کسی شصت تومان موجب داشته باشد اصلاً کسر نمیشود تمام ابقاء میشود و اگر کسی یکصد و بیست و يك تومان داشته باشد که ثلث ابقاء میشود و يك ثلث يك تومان کسر میشود اما تصور کردن اینکه دو عشر یا يك عشر کسر شود این را نباید در کلیات بفرمائید والا حالا در مواد نمیشود ملاحظه کرد و هر چه مواد هم بیشتر برود گمان میکنم که بهتر مراعات شده باشد و این ترتیبیکه بگذرجهت است برای اینکه يك ترتیبی است که آنقدر حقوق آنها کسر نمیشود .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده چهارم خوانده میشود (بمبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۴ - از دو صد تومان تا مآخذ سیصد تومان دو صد تومان آن بناخذ ماده (۳) مازاد آن چهار عشر ابقاء میشود .

**رئیس** - مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) ماده پنجم ( ماده پنجم بعنوان ذیل خوانده شد ) .

ماده ۵ - از سیصد تومان تا مآخذ پانصد تومان چهار صد تومان بناخذ ماده چهار مازاد آن سه عشر ابقا میشود .

**رئیس** - مخالفی نیست؟ ( اظهاری نشد ) ماده (۶) ( ماده مزبور برقرار ذیل خوانده شد ) .

ماده ۶ - از چهار صد تومان تا مآخذ پانصد تومان چهار صد تومان آن بناخذ ماده مازاد آن دو عشر ابقاء میشود .

**رئیس** - مخالفی نیست؟ ( گفتند خیر ) ماده هفتم خوانده میشود ( ماده مزبور بطور ذیل خوانده شد ) .

ماده ۷ - از پانصد تومان تا مآخذ یک هزار تومان پانصد تومان آن بناخذ ماده (۶) مازاد آن يك عشر ابقاء میشود .

**لواءالدوله** - بنده در کلیه این مواد مخالفم بجهت اینکه بناخذ مناسبی بالا نرفته است خصوصاً در ماده پنجم که يك عشر رفت هزار تومان و هزار تومان را نوشته است که پانصد تومان مطابق ماده ۴ و آنوقت مازاد آن که پانصد تومان این يك عشر ابقاء میشود و باین ترتیب چهار صد و پنجاه تومان تقریباً کسر میشود این را نخواستیم از مخیر محترم کمیسیون سؤال کنم که بچه تناسب این ( ۴۵۰ ) تومان کسر میشود .

**حاج عز الممالک** - اولاً خدمت آقای عرض میکنم که مطابق صورتیکه تنظیم و توزیع شده و از نظر آقایان میگذرد تقریباً یکی دو جارا شامل میشود بجهت اینکه اغلب اشخاصیکه هزار تومان موجب داشته اند جز اشخاصی هستند که مستحق حقوق نبوده اند و راجع به آن شانزده هزار تومانیکه قطع شده است یکی دیگر هم که پانصد تومان است که آن ترتیباً کمیسیون ساین هم رأی داده بود که سیصد تومان آن الفاء شود و مازاد قطع شود حالا این يك عشر هم که ابقاء میشود این خودش يك تقضی است .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) ماده هشتم خوانده می شود . ( بطریق ذیل قرائت گردید ) .

ماده ۸ - اشخاصیکه نقد و جنس دارند و همچنین اشخاصیکه جنس فقط دارند جنس آن ها بقرار خرواری سه تومان تمسیر و به مآخذ موافق عمل شود **رئیس** - مخالفی نیست ( گفتند خیر ) ماده نهم قرائت میشود ( بتفصیل ذیل خوانده شد ) .

ماده ۹ - این مواد شامل حقوق اشخاصی است که حقوق دیگری ندارند و فقط جزو بودجه سابق دربار موصوف بوده اند اما اشخاصیکه در ولایات و بنو کلتغیر از این حقوق علیحده دارند باید وزارت مالیه تحقیق نماید در صورتیکه حقوق خارج از دربار آنها علاوه از دربار آنها علاوه از دربار آنها علاوه از حقوق درباری است آنچه در جزء درباری دارند منقطع و ضبط میشود و در صورتیکه حقوق خارج آنها کمتر از حقوق درباری باشد آن حقوق خارجی از آنچه در جزو بودجه درباری تصویب میشود کسر گذارده خواهد شد .

**رئیس** - مخالفی نیست؟ ( اظهاری نشد ) ماده دهم خوانده میشود ( بطور ذیل خوانده شد ) .

ماده (۱۰) الحاقیه کمیسیون - حقوق اشخاصیکه بر ضد اساس حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند بکلی منقطع و از این قانون مستثنی است . **رئیس** - مخالفی نیست؟ ( اظهاری نشد ) ماده یازدهم ( بترتیب ذیل خوانده شد ) .

ماده (۱۱) الحاقیه کمیسیون - مبلغ شانزده هزار و دو صد و چهل و پنج تومان و چند هزار نقد و مقدار شصت و بیست و پنج هزار خراج و شصت و سمن غله و سیصد و شصت خروار و شصت و پنج من کاه بموجب دو جزو طبق شده و ضمیمه آن شامل چهل و نهم کلیه منقطع است .

**حاج آقا** - يك سؤالی بنده از مخیر کمیسیون میکنم و اگر آن چیزی که بنده شنیده ام درست باشد بنده بکلی مخالفم با این ماده بواسطه آنکه آن چیزیکه بنده شنیده ام حقوق کسانیکه جزو بودجه درباری بوده در قوی ثلث مجلس اولی یکمقداری از

آنرا کسر و يك مقدار را تصویب کرده است و اگر هم چه چیزی باشد که در سه قوی ثلث این حقوق از تصویب مجلس شورای ملی گذشته باشد بنده این ماده و کلیه این را بکلی غلط میدانم و قطع کردن اینها را تصویب نمیکنم .

**رئیس** - ماده یازدهم است . **حاج آقا** - بله بندهم در همین ماده یازدهم عرض میکنم عرض کردم اگر اینطور است که از تصویب مجلس سابق گذشته است قطع اینها را بکلی غلط میدانم بواسطه اینکه اینها هم مثل سایر حقوقی است که دیگران میبرده اند و تصویب شده است و بحکم این ماده قطع و آن موادیکه نوشته شده تصویب خواهد شد و در حقیقت همان ایرادیکه در کلیات هست در این ماده هم هست بواسطه اینکه این يك قطعی است که بعد از تصویب کرده اند و مثل سایر حقوق است که تصویب شد بلی اگر اینها يك حقوقی باشد که در قوی ثلث تصویب نشده باشد و نظری در آنها نکرده اند آن وقت میتوانیم تصویب بکنیم ولی از قرائتیکه شنیده شده اینها در قوی ثلث تصویب شده و نظریات در اینها کرده اند و همانطور که کسری که در سایر حقوق کرده اند در اینها هم کرده اند پس از آقای مخیر توضیح میخواهم که بفرمائید اینها تصویب شده قوی ثلث است یا نه .

**حاج عز الممالک** - اولاً جواب آقای حاج آقا را عرض میکنم که در چندین پیش ابداً اینها را ملاحظه و نظر ننکرده اند بلکه در موقعی که موجب اشخاص را جرح و تعدیل میکردند اینها را جزء بودجه دربار کرده اند و منظورشان این نبوده است که باید قطع شود با بقاء فقط جزء آن میلی یقیناً اینطور است که عرض میکنم و اشخاصیکه آن وقت عضو کمیسیون مجلس سابق بوده اند و مخصوصاً در کمیسیون هم تشریف داشته اند حالا هم حضور دارند و می توانند توضیح بدهند و این مسئله محقق است که این ابداً در کمیسیون سابق ذکر نشده است اما راجع باین ماده این اشخاص اشخاصی هستند که می توان گفت بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام کرده اند از این جهت کمیسیون این اشخاص را خارج کرده و رایبورت داده و شانزده هزار تومان و کسری نقد و مقداری جنس بود که منقطع شده بود و مجدداً که در مجلس مذاکره شد بعضی اشخاص هم جزء آن ها شدند مثل قهرمان خان حاجی الدوله محمد علی میرزا همچنین آن وقت این ترتیب نبود که حقوق اشخاصیکه بر ضد مشروطه هستند منقطع شود و این اشخاص هم آنها نیستند که باید بموجب ماده سابق منقطع شود اشخاص مخصوصی هستند که کمیسیون نظر کرده و حقوقشان را قطع نموده است مثل مطیع الملك سعادت الدوله وزیر الدوله اینها اشخاصی هستند که اقوام امیر بهادر هستند و کلیه باید منقطع شود .

**لواء الدوله** - این ماده تازه که در کمیسیون تصویب شده هیچ صحیح نیست بجهت اینکه اینها تا پارسل قبوض و بر و اتشان را گرفته اند و جزء دربار هستند و منقطع نشده است کتابچه موقوفات حاضر است و اگر آقایان آنرا دیده اند میدانند که اینها منقطع نشده است اما آمدیم در اینجا ذکر میشود

که بر ضد حکومت ملی اقدام کرده اند حقوق اینها قطع است لازم نیست که ما از آن ها اسم ببریم حقوق آنها قهراً منقطع است و خودشان هم مردودند و اما بعضی که اسمشان جزء اینها است این بعضی که تصویب کرده اند دیگران نباید بآتش اینها بسوزند و نظر که بر ضد حکومت ملی اقدام کرده اند چرا باقی اسمشان جزء اینها ذکر شود و حقوقشان در جزء اینها قطع شود از آنها بکلی اسم برده شود اما این اشخاص حقوقشان از تصویب مجلس گذشته و در این مجلس هم قطع حقوق نشده و انشاء الله امیدوارم نخواهد شد من باب مذاکره عرض میکنم باید حقوق آنها را رعایت کرد زیرا که تقریباً خیلی بریشان هستند و هشتصد خانواده محترم هستند و حالا هیچ ندارند تصور کنید باین گرائی کلیه ارزاق و خانواده های محترم و حقوق کم این بیچاره ها چه چاره کنند قدری بنظر انصاف ملاحظه کرد آن وقت قهراً حقوق آنها را تصویب خواهید فرمود

**حاج عز الممالک** - بنده عرض میکنم کمیسیون از روی دقت رسیدگی کرده است و محقق شده است که اینها استحقاق ندارند و چطور میشود یکی را اسم برد که استحقاق ندارد و این فرمایشات آقا شامل ماده قبل است ولی در اینمواد کمیسیون حاضر است ثابت نماید که حقوق اینها باید قطع شود

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۲ خوانده میشود ( بهضمون ذیل خوانده شد )

ماده (۱۲) الحاقیه کمیسیون - حقوق اداره از این قانون مستثنی و بکلی منقطع است

**رئیس** - مخالفی نیست ماده ۱۳ خوانده می شود ( بمبارت ذیل قرائت شد )

ماده (۱۳) الحاقیه کمیسیون - متوفیات این حقوقات مطابق قانون متوفیات باید معمول شود

**حاج سید ابراهیم** - اگر مراد از این متوفیات از حالا بعد است که البته آن قانون شاملش میشود و اگر متوفیات از زمان اول مشروطه تا بحال است بنده قبول ندارم که اشخاصی که متوفی شده اند از اول مشروطیت باید مطابق قانون متوفیات در حق آنها معمول شود بلکه وقتی که این حقوق در مجلس تصویب شد البته بعد از آن اگر کسی متوفی شد از این بابت بورتهاش موافق این قانون میدهند ولی از حالا نمیشود که این شخص که فوت کرد حالا چیزی برای ورثه او تصویب بکنیم یا نصف حقوق او را تصویب بکنیم و این باین شکل صحیح نیست .

**حاج عز الممالک** - این راهم آقا اشتباه کرده اند بجهت اینکه اگر کسی سابق مرده باشد ورثه او تصویب نکرده اند که در حق آنها برقرار نشود چیزی جزئی است تا بتوانیم ایراد بگیریم در جائیکه کلی باشد که این منبع هازیر است ولی در صورتیکه خود آقای حاج سید ابراهیم تشریف داشتند دیده اند اشخاصی که سی چهل تومان الی صد تومان حقوق داشته اند و این نوع اشخاص متوفی شده اند مطابق قانون متوفیات ورثه آنها حقوق خواهند داشت غیر از این شکل بحث کمیسیون شکل دیگری در نظر بگیرد .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهار شد خیر )

**رئیس** - شورا اول این لایحه نام شد بکریب تنفس است ( بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد ) **رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه راجع بطرح آقای ادیب التجار خوانده میشود ( بمبارت ذیل قرائت شد ) راپورت کمیسیون بودجه راجع بطرح آقای ادیب التجار که از مجلس بکمیسیون رجوع شده با پیشنهاد هائیکه در این موضوع شده مطرح گردید پس از مذاکرات لازمه مطابق ماده ذیل با اتفاق آراء تصویب گردید .

ماده - اشخاصی که در طهران و سایر ولایات بعد از هفتم عومی ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ بتدبیر حکومت ملی بهر عنوان عملاً قیام یا اقدام کرده اند حقوق دیوانی آنان نقداً و جنساً منقطع است دولت اسامی اشخاصی که بموجب این قانون حقوق آنان منقطع میشود باید در روزنامه رسمی اعلان نماید .

**رئیس** - عرض کنم در اینمطلب مذاکرات زیاد نخواهد شد بجهت اینکه مذاکره شده است

**حاج شیخ اسدالله** - آنوقت که این ماده آمد بمجلس بنده ابتداء امضاء کردم و حالا هم عقیده ام اینست که باید حقوق این اشخاص قطع شود ولی هودت داده شد بکمیسیون برای اینکه نظریات هیئت دولت در ترتیب اجرای این قانون معلوم شود برای اینکه نمیدانم نظریات هیئت دولت در اینباب چه چیز است اینماده را تصدیق دارند یا ندارند والا این ترتیبی که اینجا نوشته شده است بنده آنرا خیلی اسباب زحمت می بینم که اجراء شود

**رئیس** - در اصل مطلب مذاکره شده است يك معطلی پیشنهاد شده و رأی گرفته شده و اصلاحاتی هم که شده قابل توجه شد و ضمناً هم حالا باین رأی بگیریم در اصل مطلب مذاکره نمیشود راجع بهمان اصلاح است

**ارباب کبخسرو** - این ماده مطابق پیشنهاد بنده برگشت بکمیسیون و بنده دو چیز را پیشنهاد کرده بودم یکی تعیین مدت بود و یکی تعیین اسامی روزنامه رسمی آنجا اعلان اسامی را در روزنامه رسمی نوشته اند ولی هیچ کسری از تعیین مدت نکرده اند میخواستم بدانم که جهت آن چه چیز است

**حاج عز الممالک** - بله آن پیشنهاد قبول کردم ولی در کمیسیون مذاکره شد گفتند تعیین مدت بکندری تولید اشکال میکند بجهت اینکه حالا اشخاصی هستند که بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام کرده اند و میشود گفت که اسامی آن اشخاص را اعلان بکنند ولی حالا نمیتوانم بگویم که بجران خانه باقیه بلکه ممکن است بعد از اینهم اقدام بکنند اگر چه این احتمال است ولی شاید بعد از اینهم اقدام بکنند این بود که مامدت فرار ندادیم اگر مدت میگذاشتیم آنوقت ممکن بود این قانون شامل بعد نشود و حال اینکه این قانون ابداً است این بود که مدتی از برای آن قرار ندادیم تا اینکه بموجب این قانون حقوق آن اشخاص منقطع شود

**بجهت** - اشخاصی که بر ضد حکومت ملی اقدام کرده اند لابد باید ثابت شود و ثبوتش هم بیک طریق اینجا باید معین شود که بچه طریق خواهد بود بعداً کم نظامی یا قضائی خواهد بود ؟ بنده اقدام اینست که باید بمحاکم نظامی رجوع شود یعنی مادامیکه حکومت نظامی است والا اگر بنا باشد که بدون ثبوت

هیئت قدر نوشته شود که فلانکس بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام کرده حقوق او قطع بشود نباید همچو رأی از مجلس بیرو بیاید لهذا بنده يك چیزی اضافه کردم که آن اضافه شود اینحکم مادامی است که حکومت نظامی است بجهت اینکه اگر حکومت نظامی برداشته شد آنوقت این حکم نسخ میشود این حکم بترتیب و زمانش بسته است بحکومت نظامی لذا بنده پیشنهاد میکنم که بعد از ثبوت در محاکم نظامی هر کس ثابت شد که برخلاف حکومت ملی اقدام کرده است هم مجازات شود هم حقوقش قطع بشود برای اینکه شاید بعضی مجازات های دیگری داشته باشد و الا ممکن نیست که این را باینطور بگذرانیم و وسیله بکنیم برای اینکه همه را محروم بکنیم یا عدد را غیر محروم و هیچ مضر نمیدانم که در اینجا نوشته شود بعد از ثبوت در محاکم نظامی والا اگر ما خواسته باشیم يك کسی را بر ضد حکومت ملی بدانیم و دیگری را ندانیم بدون يك میزان و ترتیبی این هیچ صحیح نیست

**حاج عز الممالک** - گمان میکنم که اینجا آقای بهجت اشتباه فرموده اند حکومت نظامی راجع باینجا نیست بلکه يك اختیاری است که فوق قانون بهیئت وزراء داده شد و البته با مجلس است که آن اختیارات را باقی بگذارد یا ننگذارد و اشخاصی که بر ضد حکومت ملی قیام کرده اند این قانون همیشه شامل آنها خواهد بود محاکم نظامی هیچ مربوط باینکار نخواهد بود و این مسئله هم چندان محتاج باینجا نیست بجهت اینکه مدتی نگذشته است که آنها را شناسیم و آنها نیزیکه بر ضد حکومت ملی قیام کرده اند تمام معلومند و برای اینکه دوره تقنینیه با اجازه نمیداد که اسامی اشخاص را بیآورند روی کاغذ و برض مجلس برسانند برای همین بود که نوشته شد و البته هیچکس نمیتواند کسرا که برخلاف حکومت ملی قیام و اقدام نکرده است او را تحت این صورت بیآورد مملکت مشروطه است و هر کسی قیام کرده باشد برخلاف حکومت اسامی آنها اعلان خواهد شد و حقوق آن اشخاص منقطع خواهد شد

**ارباب کبخسرو** - بنده مقصودم این نبود در آن پیشنهاد که تا سه ماه این ترتیب دائر باشد بعد منقطع شود مقصود بنده این بود که يك مدتی از برای شروع باینکار معین شود که هیئت دولت از چه تاریخ باید شروع بکنند از تاریخی که اینجا می گذرد باید شروع شود یا از تاریخ دیگری چون ما خیلی قوانین از اینجا گذرانیدیم ولی متناسفانه بجهت همین نکته آنها ماند و هیچ اجرا نشد مقصود بنده این بود که آن تاریخی که دولت باید اقدام در اجراء بکنند در اینجا معین بشود

**حاج وکیل الرعایا** - از نظر آقای ارباب کبخسرو از اظهاراتشان معلوم میشود که مقصود از تاریخ فقط اینست که شناخته شوند این اشخاص معلوم شود که حقوق اینها قطع شده است و لکن يك نظر دیگری لازم است که بفرمائید که اگر گفتیم دولت تا سه ماه اسامی آنها را اعلان کنند بعد از این سه ماه شاید اشخاصی باشند از اینها که بعد شناخته شوند و مستحق بیمرحتی دولت بوده اند لکن شناخته نشده بود روز نود و سیصد شناخته شدند آنها میتوان بگویند که یکی از مواد این قانون این بوده که تا سه ماه باشد